

آثارشوم انقلاب در عرصه ی هنر!	ایالات متحده نقشه های شومی در سر می پروراند تا در ظرف چند دقیقه روسیه را نابود کند	در جنبش جهانی کمونیستی	طرح استعمارنو بدتر از طرح استعمارکهنه!	ایستادگی دلاورانه خلق کوبانی در مقابله با تهاجم فاشیستی داعش
صفحه ۶	صفحه ۸	صفحه ۱۹	صفحه ۱۹	صفحه ۱۹

به هرکجا که روی آسمان همین رنگ است!

فقط رژیم جمهوری اسلامی ایران نیست که فقر و فاقه و بدبختی عظیمی را بر اکثر ساکنان ایران یعنی کارگران و زحمت کشان تحمیل نموده است به نمونه جهانی این وضع توجه کنیم:

ثروت ۱٪ از متمول ترین افراد دنیا بیش از بقیه جهان

سازمان امداد رسانی بین المللی آکسفام در تازه ترین گزارش خود برآورد کرده است که تا سال ۲۰۱۶ میلادی، ۱٪ از متمولترین افراد دنیا بیش از ۹۹ درصد از کل مردم جهان، صاحب ثروت خواهند بود. بررسی های این سازمان بریتانیایی نشان می دهد که سهم این یک درصد از کل ثروت های جهان در سال ۲۰۰۹ میلادی، ۴۴ درصد بوده که این میزان در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۴۸

بقیه در صفحه چهارم

پیروزی حزب چپ "سیریزا" در انتخابات پارلمانی یونان پیروزی جنبش توده ای دموکراتیک در کوبانی گردستان!

اتفاقاتی که در سال جدید ۲۰۱۵ در جهان به نفع جنبشهای توده ای متحد و دموکراتیک روی دادند، شبح جدیدی بودند در به هراس انداختن حرکت ارتجاعی نئولیبرالیسم امپریالیستی در تلاش برای به بند کشاندن هرچه بیشتر کشورهای رشد نیافته و برقرار ساختن استعمارنو در آن کشورها در دهه های آینده. هرچند که این پیروزیها در گام اول بوده و کمکی هستند به درآوردن جنبش چپ از حالت دفاعی به حالت تهاجمی، اما به تنهایی به امر رهائی کارگران و زحمتکشان بدون داشتن خط مبارزه طبقاتی برای براندازی نظام سرمایه داری نخواهند رسید.

بقیه در صفحه پنجم

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مسخ شد و مُرد، لاشه اش روزبه روز متعفن تر می شود!

دوران، به جای "کمر بند سلطنتی" مورد تعرض گسترده ی توده های مردم، که به این دلیل تامین بیشتری می توانست بر سلطه ی جابرانه ی امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه به وجود آورده و تداوم بخشد. به خصوص که در ایران بخشی از روحانیت به رهبری خمینی توانسته بود خود را به صورت آلترناتیوی به ظاهر جدی در برابر دیگر نیروهای بورژوائی و از جمله احزاب جبهه ملی ایران در مقابله با رژیم سلطنتی ارائه دهد. این روحانیت با سازشهایی که با نیروهای امپریالیستی صورت داد، تدریجا و در آستانه ی انقلاب به صورت آلترناتیوی قوی در ایران جلوه داده شد و با پاسیو نمودن ژنرالهای ارتش شاهنشاهی زمینه برای تحقق حکومتی اسلامی فراهم گردید. طبقه کارگر ایران

بقیه در صفحه دوم

۳۶ سال از بروز انقلاب توده ای عظیمی در ایران می گذرد که با شعار "استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی" بخشی از نیروهای چپ و از جمله "سازمان انقلابی" از تشکیل دهنده گان "حزب رنجبران ایران"، و شعار "انقلاب دموکراتیک" برخی دیگر از نیروهای چپ بر این فرض متکی بودند که طبقه کارگر و زحمت کشان هدایت امور دولتی و ملی را به دست گرفته و به تحقق این شعارها برآمده و پس از قریب ۱۰۰ سال مبارزه به سلطه ی مالکان زمین و سرمایه داران و انواع استثمار و ستم طبقات استثمارگر ارتجاعی نقطه پایانی بگذارند. ولی در این میان در شرایط جنگ سرد که رقابت بین دو ابر قدرت آمریکا و شوروی ادامه داشت و خط محاصره ی شوروی از طریق سیاست ایجاد "کمر بند سبز" به

بیان مختصری از ۳۶ سال غارت و چپاول

رحم خود فرو برده و تعداد ۱٪ از نوکیسه گان در کوه پول دارند غرق می شوند. کار را به جانی رسانده اند که دولتیان درباره جدانی مردم از نظام اسلامی دست به اقرار زده اند:

چه کسانی به مساجد می روند؟

پیک نت: "گاهی آش آنقدر شور است که آشپز هم اعتراف می کند". این سخن حسین انواری سرپرست کمیته امداد که بمناسبت دهه فجر مطرح شده مصداق این ضرب المثل است. بخوانید: "باید بازنگری در حال و گذشته جامعه صورت گیرد. انواع و اقسام توطئه ها وجود دارد به طوریکه بخشی از آن دور کردن سالمندان از نسل جوان است! امروز مسجد تنها به مکانی برای سالمندان تبدیل شده تا در آن نماز بخوانند." البته سرپرست کمیته امداد نخواست بگوید که بعد از انقلاب هر

توده های وسیع مردم در ۳۶ سال حاکمیت خون ریز و جبار نظام جمهوری اسلامی به خوبی دریافته اند که ادعای شیخان ریاکار در بالای منبر در حدی اعتبار دارند که به گفته ی بزرگ ترین کذابان روزگار تعلق دارند. در زیر به بخش هایی از نتایج عمل کرد جمهوری اسلامی به رهبری ولایت فقیه به مثابه "مشت نمونه خروار" اشاره کرده و به مردم ایران هشدار می دهیم تا مبادا بار دیگر گول آن بخش از جماعت روحانی را بخورند که ادعای اصلاحات دارند و همانند خمینی که روزی خود را با "مستضعفین" هم هویت می نمود و "طلبه" ای بیش نبود و "خدا هم کارگر بود" و غیره و آیت الله های زیر دستش مجانی شدن آب و برق و غیره را سر می دادند، نتیجه ی کارشان بدان جا رسیده است که خط فقر بیش از ۸۰٪ ساکنان جامعه را در کام بی

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ...

بقیه از صفحه اول

اعتصاب های وسیعی در سراسر کارخانه ها و معادن و به خصوص صنعت نفت ترتیب داد و ضربه ی مهلکی را بر اقتصاد در حال بحران رژیم سلطنتی فراهم نمود. در کنار آن توده های میلیونی در شهرها و به ویژه توده های فقیری که از روستاها به شهرها جهت یافتن کار پناه برده و در اطراف آنها در عسرت و تنگ دستی بسیار سختی زنده گی می کردند، تظاهرات میلیونی را در شهرها علیه رژیم پیش بردند. خمینی بدون هیچ مقاومتی از جانب نیروهای مسلح رژیم آزادانه با هواپیما وارد ایران شد و در شرایطی که شاه هم قبل از ورود او به خارج فرار کرده بود با عوام فریبی های زیاد در مورد "مستضعفان" زمینه را برای قرار گرفتن در راس جنبش ضد سلطنتی برای خود آماده نمود. همه بیاد دارند که در شرایطی که نیروهای سیاسی انقلابی و توده های مردم آماده ی حمله به پادگانها و پاسگاههای پلیس و زندانها و شکنجه گاه های ساواک بودند، سنگربندی را در خیابانها ترتیب داده و قبل از شروع کار آنها خمینی که در جریان سازش با نیروهای مسلح رژیم شاه بود با این اقدام مخالفت نمود. و توسط آیت الله طالقانی به مردم اعلام آرامش نمود. ولی توده های به جان آمده و نیروهای چپ حمله به مراکز سرکوب رژیم شاه را آغاز کردند و بدین ترتیب رژیم سلطنتی به پایان عمرش رسید و ابتکار عمل به دست نیروهای اسلامی به رهبری خمینی افتاد و انقلاب دموکراتیک توده ای عظیم ناکام مانده و جان باخت و نیروهای تحت رهبری خمینی نیز هرچه بیشتر بر طبل "انقلاب اسلامی" کوبیدند و در ناباوری که توانسته بودند به این سهولت در راس قدرت قرار گیرند از همان ابتدا نشان دادند که نسبت به استقرار دموکراسی کاملاً بیگانه هستند و اعدامها و سرکوبها را باتوجه به وضعی که از نظر سلطه داشتن احساس می کردند تدریجاً شروع نمودند و هرچه دستگاه سرکوب خود را از کمیته ها گرفته تا واک و سپاه پاسداران مستقر ساختند، بی پروایانه به زندان و شکنجه و کشتار نیروهای سیاسی پرداختند. بدین ترتیب انقلاب دموکراتیک ایران از همان ابتدای پیروزی اش در سرنوشتی نظام سلطنتی جان باخت و رژیم اسلامی به قدری در جست و جوی سلطه یابی هرچه بیشتر بر کلیه مراکز مالی، صنعتی، مستقالات و غیره بود که حتی لاشه

ی آن انقلاب را محترمانه به خاک نسپرد و هر روز که بیشتر در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران می گذشت بوی تعفن عمل کرد "انقلاب اسلامی" چنان آزار دهنده شد که امروز در صورت وجود یک دموکراسی لحظه ای که مردم بتوانند آزادانه رای دهند، تمامی مردم جهان متوجه خواهند شد که این رژیم به جز حمایت از جانب نیروهای سرکوبگر و سرمایه دارانی که به برکت وجود این رژیم به ثروتهای افسانه ای رسیده اند و اینان حتی اقلیتی بیش از ۱۰ درصد نخواهند بود، کسی طرف دار این رژیم نیست. طی ۱۰۰ سال و اندی اخیر مردم ایران شاهد حرکات بزرگی بوده اند که با اقتادن رهبری آنها به دست بورژوازی و خرده بورژوازی سرنوشت غم انگیزی داشته و تمامی مناسبات کهنه و حتی استثمار فئودالی در قالبی جدید برجا مانده و مردم ایران از هیچ گونه حقوق دموکراتیکی برخوردار نشده اند. انقلاب مشروطیت در نطفه خفه شد، جنبش ملی شدن صنعت نفت در نطفه خفه شد و انقلاب دموکراتیک بهمن نیز به همان سرنوشت گرفتار آمد. چرا؟

ک. ابراهیم
۱۴ بهمن ۱۳۹۳

بیان مختصر... بقیه از صفحه اول

جا که توانستند مسجد ساختند و اکنون خیلی ها، در محلات و گوشه و کنار شهر برای استفاده از مستراح به مساجد مراجعه می کنند. ظاهراً مساجد از کسانی که از همین کمیته کمک دریافت می کنند هم پر نمی شوند. (۱۳۹۳/۱۱/۱۹) به نمونه های دیگر زیر نظری بیانداریم:

۲۲ میلیارد دلار کجا ست؟

پیک نت: نامه نهاد ریاست جمهوری خطاب به رئیس کل سابق بانک مرکزی در دولت احمدی نژاد، از مهم ترین رویدادهای دوران پس از ریاست جمهوری روحانی است. و در حقیقت می توان مدعی شد که مهم ترین حادثه دو سال اخیر است. در این نامه علاوه بر غارت ۲ میلیارد و ۷۷۰ میلیون دلاری بابت زنجانی، سخن از ۲۲ میلیارد دلاری است که دولت احمدی نژاد از طریق صرافی ها، در فاصله دو سال ۹۰ و ۹۱ از کشور خارج کرده است. در حقیقت ظرف ۱۸ ماه این پول از مملکت خارج شده و به دبی و استانبول رسیده است. ۱۳۹۳/۱۱/۸

یک نماینده مجلس: آقازادهها ۲۳

کشتی شکر وارد کرده اند

به گزارش «خبرگزاری دانشجو» نادر قاضی پور، نماینده ارومیه با بیان اینکه اکنون کارخانه های قند و شکر محصولات خود را انبار کرده اند و امکان

تاریخ در زمانی که فئودالیسم سلطه ی مطلق بر جهان داشت، به دلیل این که بورژوازی مناسبات تولیدی جدیدی به وجود آورده بود که در مقایسه با نظام فئودالی مترقی بود و تحت سلطه ی نظام فئودالی قادر به رشد نبود با طرح شعارهایی نظیر "آزادی، برابری، برادری" توانست نقش پیشروی داشته و انقلابات بورژوا دموکراتیک را در کشورهایی که از نظر صنعتی پیش رفته تر بودند، سازمان دهد. اما پس از انجام این انقلاب و به خاطر این که خودش نیز مناسبات استثمار متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله را داشت در تحقق این شعار به کلی ناتوان ماند. آزادی، برابری و برادری فقط در سطح ادعا باقی ماندند و کافی است همین امروز که نظام سرمایه داری بر جهان بیش از ۲۰۰ سال است که حاکم است نگاه کنیم و ببینیم چه نابرابری در جهان که صحبت از ۹۹٪ فقیر و ۱٪ غنی می شود به وجود آورده اند. از همه مهمتر این که طبقه کارگر توانست انقلاباتی نظیر کمون پاریس ۱۸۷۱، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه تزاری و انقلاب اکتبر ۱۹۴۹ در چین را رهبری نموده و به جهانیان نشان داد که بدون مبارزه برای لغو مالکیت خصوصی و حفظ نابرابری در عرصه ی اقتصادی در این مورد ام الفسادی است که هر انقلابی به آن توجه نکند به رهایی انسانها از ظلم و ستم دست نخواهد یافت. بدین

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران، زنده باد انقلاب سوسیالیستی!



تجارت پرسود قاچاق

به گفته مهدی یکتا هر سال چهار و نیم میلیارد دلار پوشاک وارد بازار ایران میشود، اما واردات رسمی توسط نمایندگی های مجاز برخی برندهای خارجی حدود سه میلیون دلار در سال بیشتر نیست.

دبیر اتحادیه تولید و صادرات نساجی به خبرگزاری ایسنا گفته است که نمایندگان برنده ای خارجی هم بخش عمده کالاهای خود را قاچاقی وارد میکنند و این میزان اندک واردات را به صورت قانونی انجام میدهند تا در زمان بازرسی بتوانند اسناد واردات رسمی را نشان دهند. وزیر صنعت و دست اندرکاران صنایع نساجی یکی از علت های اصلی رونق قاچاق در بازار پوشاک را بالا بودن تعرفه گمرکی این نوع کالاها عنوان میکنند. در قوانین گمرکی ایران پوشاک کالای لوکس محسوب میشود و تعرفه واردات رسمی آن ۱۰۰ درصد تعیین شده است. این تعرفه ها و گردش مالی هنگفت این بازار، قاچاق پوشاک را به تجارتی پرسود بدل کرده که در سالهای گذشته رشد چشمگیری داشته است. بخش بزرگی از کالاهای موجود در بازار ایران از طریق قاچاق وارد کشور میشود. ستاد مبارزه با قاچاق کالا چندی پیش، گردش مالی این بخش را حدود ۱۹ میلیارد دلار در سال اعلام کرده است.

افزایش ۵۰۰ درصدی قاچاق سازمانیافته

مطابق برآوردهای مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در فاصله سال های ۸۵ تا ۸۹ قاچاق پوشاک به ایران ۵۰۰ درصد افزایش داشته است. افزایش قاچاق پوشاک به ایران تولیدکنندگان داخلی را با مشکلات زیادی روبرو کرده است و کاهش شدید صادرات در این زمینه بیانگر ادامه این وضعیت است. دبیر اتحادیه تولید و صادرات صنایع نساجی میگوید در سال ۸۹ میزان صادرات پوشاک ایران ۱۲۰ میلیون دلار بوده که این رقم در حال حاضر به حدود ۴۰ میلیون دلار کاهش یافته است. محمدحسین برخوردار، رئیس مجمع واردات کشور، هفتم تیرماه به "تسنیم" گفته بود: «رنج آور است که به نظر میرسد قاچاق پوشاک در ایران کاملاً سازمانیافته است. از حمل و جابجایی محموله های عظیم پوشاک گرفته تا جابجایی پول های رد و بدل شده در سیستم بانکی کشور و قفسه های فروشگاه های لباس در تهران و شهرهای دیگر همه مهر تاییدی بر این ادعاست.»

افشای یک تخلف بانکی

۳۰۰۰ میلیاردی دیگر!

عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار از بررسی تخلف ۳۰۰۰ میلیاردی سازمان اقتصاد اسلامی در دست اندازی به منابع صندوق های قرض الحسنه از شورای پول و اعتبار خبر داد. هادی قوامی در گفتگو با مهر با اشاره به بررسی تخلف سازمان اقتصاد اسلامی در برداشت چند هزار میلیاردی این سازمان از صندوق های قرض الحسنه در جلسه شورای پول و اعتبار گفت: برداشت ۳ درصدی سازمان اقتصاد اسلامی از صندوق های قرض الحسنه به نام سپرده قانونی نزد بانک مرکزی، خلاف است و این پول باید بازگردانده شود. نماینده اسفراین در مجلس نهم ادامه داد: سازمان اقتصاد اسلامی بر اساس تکلیف بانک مرکزی این کار را نمی کند، یعنی بانک مرکزی از صندوق های قرض الحسنه تک شعبه ای چیزی تحت عنوان سپرده قانونی دریافت نمی کند.

* رئیس سازمان حسابرسی :

زنجانی زابیده تحریم است

رئیس سازمان حسابرسی با اعلام جزئیات جدید از فساد بانکی ۷۰ میلیارد ریالی، موضوع بابک زنجانی را زابیده تحریم دانست و گفت: قوه قضائیه اطلاعاتی برای پرونده "م.ه" از ما نخواسته است. وی در مورد پرونده بابک زنجانی گفت: اتفاقی که در این زمینه افتاد، زابیده تحریم است و اگر تحریم نبود، پولی داده نمیشد و نقل و انتقالی انجام نمی گرفت، بنابراین اختلاسی هم به وقوع نمی پیوست، بنابراین می توان گفت که تحریم چنین آثاری را نیز در بردارد. رئیس سازمان حسابرسی در پاسخ به این سؤال که آیا سازمان حسابرسی به پرونده "م.ه" هم ورود پیدا کرده است یا خیر؟ گفت: قوه قضائیه اطلاعاتی در این زمینه از ما درخواست نکرده و هیچ کمک کارشناسی نخواسته است. ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ پیک ایران

۷۰ درصد پوشاک خارجی بازار

ایران قاچاقی وارد میشود

گردش مالی صنایع نساجی در ایران سالانه به ۲۵ هزار میلیارد تومان میرسد و به گفته دبیر اتحادیه تولید و صادرات نساجی ۱۷ هزار میلیارد تومان آن مربوط به پوشاک و مابقی به پارچه و فرش اختصاص دارد. خبرگزاری ایسنا روز جمعه، ۱۷ بهمن از قول مهدی یکتا نوشت: «۷۰ درصد پوشاک موجود در بازار ایران، خارجی است که نزدیک به ۱۰۰ درصد آن به صورت قاچاق وارد میشود.»

▶ پرداخت پول چغندر کشاورزان را ندارند، گفت: «وزیر صنعت آقای نعمت زاده در این شرایط ۲۳ کشتی شکر وارد کرده که این خلاف سیاستهای اقتصاد مقاومتی و سیاست مجلس است.» وی تأکید کرد: «شکر توسط آقازاده ها وارد میشود و از طرفی شعار حمایت از تولید ملی داده شده اما همه این اقدامات و این لایحه در حمایت از واردات است!» پیشتر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعلام کرده بود نیمی از مصرف یک میلیون و ۹۵۰ هزار تنی قند و شکر ایران از خارج وارد میشود که این موضوع منجر به تعطیلی کارخانه ها شده است

"۶۸ میلیارد تومان اختلاس در

گمرک بوشهر"

ناظر گمرکات استان و مدیرکل گمرک بوشهر گفت: تاکنون ۴۸ میلیارد تومان در مورد اختلاس از گمرک بوشهر تایید شده است. به گزارش ایرنا، «احمد پورحیدر» روز چهارشنبه در نشست خبری افزود: شورای نظارتی همچنان در حال پیگیری است و مبلغ ۲۰ میلیارد تومان دیگر از این اختلاس نیز هنوز تایید نشده است.

وی یادآور شد: در مجموع پیش بینی می شود مبلغ کل اختلاس از گمرک بوشهر ۶۸ میلیارد تومان است. ۲۰۱۵/۲/۵. آینه روز

آخوند علم الهدی:

جوانان نسل سوم در حقانیت انقلاب

دچار تردید شده اند

به گزارش صبح توس، آخوند احمد علم الهدی در گردهمایی مسئولین ستادهای نماز جمعه خراسان اظهار کرد: نسل سوم که پیروزی انقلاب را درک نکرده اند، زمانی چشم باز کرده که انقلاب را ندیده اند. امام جمعه مشهد با تأکید بر این که انقلاب بهترین حرکتی بود که صورت پذیرفت، گفت: برای نسل فعلی گذشته صرفاً انقلاب و پیروزی آن است. عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه نسل سوم ما امروز با سوال اینکه چرا انقلاب کردیم روبروست و چرا هر دولتی که بر سر کار آمد آن را تخطئه کردیم ادامه داد: جوانان میگویند بنی صدر که خائن بود، موسوی هم که جزء سران فتنه از آب در آمد، دولت اصلاحات هم که بی بندوباری و ولنگاری را ترویج کرد و احمدی نژاد هم که آنگونه از آب درآمد. از این رو جوانان نسل سوم در حقانیت انقلاب دچار تردید شده اند و این فکر به ذهنشان خطور می کند که شاید رژیم پهلوی نظامی بر حق بوده است. ۱۳۹۳/۱۱/۱۶

حنای رقابت جناحها ی رژیم شعبده بازی بی رنگ است!



افزایش نمایندگیها، کاهش

واردات قانونی

به گزارش "تسنیم"، رئیس مجمع واردات اعتقاد دارد که "سیاست گذاری غلط" باعث شده تا هزینه ی قاچاق پوشاک و منسوجات در سالهای گذشته به مراتب کمتر از هزینه ی واردات رسمی و تولید داخلی شود. بر اساس آمار وزارت صنعت در حال حاضر ۹۳۰۰ واحد تولیدی پوشاک در ایران فعالیت میکنند که اغلب کارگاه های کوچک و سنتی هستند... ۱۳۹۳/۱۱/۱۷ پیک ایران

معاون کمیته امداد: با انباشت فقر

مواجه هستیم

معاون حمایت سلامت کمیته امداد با بیان اینکه سالانه ۱۳۵۰ میلیارد تومان مستمری پرداخت میشود گفت: کمیته امداد در حال حاضر قریب به چهار میلیون نفر را تحت پوشش و سالانه یک و نیم میلیون نفر ارباب رجوع دارد. به گزارش ایسنا، منطقه کویر، "علی محمد ذوالفقاری" عصر دیروز پنجشنبه دوم بهمن ماه در همایش بررسی نقش مراکز نیکوکاری در محرومیت زدایی و ایجاد توسعه پایدار در کرمان اظهار کرد: نیاز این افراد در بسته بندی های مختلف چندین برابر امکانات موجود در کمیته امداد است به عنوان مثال سالانه ۲۰۰ هزار ظرفیت ازدواج داریم. وی بیان کرد: بعضی از درخواست های مردم از کمیته امداد با ساز و کار اداری قابل حل نیست و در دهه های گذشته بسیاری از مشکلات مردم در امداد ریشه اقتصادی داشت، امروز علاوه بر این حوزه ریشه اجتماعی نیز دارد. وی افزود: امروز با انباشت فقر مواجه هستیم و یکی از دلایلی که به سراغ شبکه های مردمی آمده ایم این است که سرعت در خدمت رسانی صورت بگیرد. آسمان دیلی نیوز ۱۳۹۳/۱۱/۳

[این اقرارها ازطرف دست اندرکاران رسمی رژیم به قدری گویا هستند که نیاز به استدلال بیشتری در بیان فساد سراسری که جمهوری اسلامی ایران در درون آن غلت می زند، نیست. جمهوری اسلامی به طورناحقی، زیادی برسر حکم مانده و اکنون زمان آن فرارسیده است که به صورت زبانه ای توسط سیل شورش کارگران و زحمت کشان جاروب شده و به دور ریخته شود.

رنجبر]

به هر کجا روی... بقیه از صفحه اول

درصد رسیده است. این گزارش همزمان با برگزاری اجلاس جهانی اقتصاد در داووس منتشر شده است. در این اجلاس سالانه، مقام های عالیرتبه سیاسی و اقتصادی و همچنین بانکداران بزرگ جهان حضور دارند. وینی بیانیم، مدیر اجرایی موسسه بین المللی اکسفام، گفت که او از این فرصت استفاده خواهد کرد تا از شرکت کنندگان برای کاهش فاصله بین ثروتمندان و فقرا درخواست کمک کند. خانم بیانیم با انتشار بیانییه ای گفت: "ابعاد افزایش نابرابری در سطح جهان سرسام آور است."

به گزارش اکسفام، میانگین ثروت هر عضو این گروه ثروتمند جهانی (یک درصدی ها)، معادل ۲.۷ میلیارد دلار (۲.۳ میلیارد یورو) است. بر اساس این گزارش افزایش تمرکز ثروت در دست های این گروه از ثروتمندان، بدنبال شروع رکود عمیق جهانی از سال ۲۰۰۸ میلادی، شکل خطرناک تری به خود گرفته و نیاز به اصلاح دارد.

توزیع ثروت در جهان

۴۸٪ از دارایی های جهان در سال ۲۰۱۴ در اختیار یک درصد از مردم بود ۵۴٪ از ثروت جهان تا سال ۲۰۲۰ در اختیار یک درصد مردم خواهد بود

۱.۹ تریلیون دلار: ثروت ۸۰ نفر از میلیاردرها ست که معادل ۵۰ درصد از ثروت سایر مردم جهان است ۶۰۰ میلیارد دلار: میزان افزایش ثروت ۸۰ میلیارد در چهار سال آینده است که معادل ۵۰ درصد افزایش است ۷۵۰ میلیارد دلار: میزان کاهش ۵۰ درصد از جمعیت فقیرتر جهان در چهل سال آینده است

منبع: آکسفام، کردیت سوئیس - آژانس فرانس پرس

او در ادامه گفت ادامه این روند برای نخبگان جامعه دیگر بدون هزینه نخواهد بود. اگر نابرابری ادامه پیدا کند، روند مبارزه با فقر دهه ها به عقب می افتد، فقرا نسبت به گذشته دو برابر آسیب می بینند و این مسئله در نهایت موجب کاهش رشد اقتصادی می شود. به گفته مدیر اجرایی موسسه آکسفام، تمرکز ثروت موجب حذف مردم عادی از صحنه و عدم توجه به منافع آنان خواهد شد. موسسه آکسفام سال گذشته میلادی و همزمان با نشست داووس نیز در گزارشی با اشاره به افزایش شکاف بین ثروتمندان و فقرای جهان گفته بود که نابرابری مدت ها ست از کنترل خارج شده و دارایی هایی ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان، معادل ۳.۵

میلیارد نفر از مردم فقیر جهان است. اما به گفته این موسسه حقایق اکنون از این هم ناخوشایندتر است به گزارش این موسسه، این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ میلادی، ثروت ۳۸۸ تن از ثروتمندترین افراد جهان معادل ۳.۵ میلیارد نفر از مردم فقیر جهان بود. چهل و پنجمین نشست مجمع جهانی اقتصاد قرار است از روز چهارشنبه این هفته (۲۱ تا ۲۴ ژانویه) با حضور صاحبان سرمایه و نیز سیاستمدارانی از کشورهای مختلف جهان در داووس سوئیس آغاز به کار کند. (بی بی سی - ۱۹ ژانویه ۲۰۱۵)

[این واقعیتها نشان می دهند که نظام جهانی سرمایه به سطحی از تکامل رسیده که به سان کوه آتشفشانی شده است که هر آن لحظه انفجار آن فرا رسد. لذا وقت آن رسیده است که در این شرایط "خرابی چون که ازحد بگذرد آباد می گردد" را فراهم سازیم. اما برای این که این انفجار نتواند آخرین صدماتش را از طریق زیر آتش گرفتن شهرها و روستاها، کارخانه ها و مزارع به نابودی دستاوردهای بشریت برساند باید اردوی عظیم سازنده ی این جهان با سازمان یابی خود و آماده گی در برابر این انفجار مانع از آن شود که نظام سرمایه داری جهانی پس از بیش از ۳۰۰ سال استثمار و ستم اردوی کار و زحمت را از پای درآورد. ظلیعه های انقلاب جهانی سراسری جهان ازدور هویدا می شود. رنجبر]



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضا و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها



رهائی از بربریت مستولی بر جهان انجام انقلاب سوسیالیستی است!



پیروزی حزب چپ...بقیه از صفحه اول

دریونان حزب چپ «سیریزا» توانست نزدیک ۳۷ درصد آراء انتخاباتی را به دست آورده و به عنوان بزرگ ترین حزب درآید و محافظه کارانی که سالهای سال در قدرت بوده و با گرفتن قرضهای کلان از کشورهای مثل فرانسه و آلمان و حیف و میل این پول ها دچار بدهی عظیمی شده اند که با توجه به بهره ی سالانه روز به روز زیر قرض عظیمی گرفتار آمده اند که نزدیک به ۳ برابر تولید ناخالص یونان بوده و باز پرداخت آن بنا به پیشنهادات تحمیلی تروئیکا (بانک مرکزی اروپا، صندوق بین المللی پول و کمیسیون اروپائی) از طریق ایجاد ریاضت اقتصادی در یونان و کسر کردن کلیه ی حقوقها، مزدها و بیمه ها فقر عظیمی را بر مردم تحمیل نموده و مصر هستند که دولت یونان از این سیاست تخطی نکند و در غیر این صورت آن قرضه ها پرداخت نخواهند شد. امری که ناراضایتی سرتاسری را در یونان پدید آورد. فقدان حزب انقلابی کمونیست در راس این پیروزی باعث خواهد شد که این حرکت رهائی از سلطه ی تروئیکا به تمامی و به نفع مردم صورت نگیرد و تا به آخر نتواند ادامه یابد.

مع الوصف اهمیت این پیروزی حزب چپ در آن است که تشویقی است در به حرکت در آوردن مردمانی که گرفتار «ریاضت کشی» در کشورهای دیگر اتحادیه اروپا مثل اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، ایرلند و غیره شده و حرکت های مشابهی را در آنها باعث گشته است. این مخالفت ها گرچه بنیادی و علیه نظام سرمایه داری نیستند، ولی زمینه را برای رشد ناراضائی ها در این کشورها علیه سلطه ی سرمایه فراهم نموده و خموده گی سیاسی را که نظام امپریالیستی فراملی ها توانسته بود بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا مستقر سازد کنار زده و دور جدید مبارزاتی از جانب افشار استثمار شده و ستم دیده را در این کشورها تدریجا فراهم نماید. برای نمونه به وضعیت در اسپانیا توجه کنیم: بی بی سی: دهها هزار نفر در مادرید، پایتخت اسپانیا در «راهپیمایی تغییر» که به دعوت حزب چپ رادیکال پودموس (ما می توانیم) برگزار شده شرکت کردند. این اولین راهپیمایی بزرگی است که این حزب ترتیب داده است. پودموس متحد نزدیک حزب سیریزا در یونان است و به نظر میرسد راهپیمایی امروز فرصتی برای استفاده از روحیه ای است که پیروزی سیریزا در انتخابات یونان ایجاد کرده است. پس از دهه

ها برای اولین بار یک دولت چپگرای غیر میانه در اروپا به قدرت رسیده و با توجه به ناراضایتی عمومی از تبعات بحران اقتصادی سالهای اخیر چپگرایان امیدوارند که بتوانند مانند یونان در کشورهای دیگر اروپا هم به پیروزی برسند. در اسپانیا حزب پودموس در نظرسنجی ها از دیگر احزاب پیش افتاده است. این حزب میگوید در صورت پیروزی در انتخابات برای تسهیل شرایط بازپرداخت بدهی اسپانیا مذاکره خواهد کرد. چهره های سرشناس این حزب میگویند که سیاستمداران باید «در خدمت مردم باشند، نه منافع بخش خصوصی». خبرنگار بی بی سی در مادرید میگوید که اسپانیایی ها حضور چشمگیری در این تظاهرات داشته اند و روحیه ای مثل یک جشن بر فضا حاکم است. در این تظاهرات پابلو ایگلسیاس، رهبر پودموس، خطاب به جمعیت گفت: «ما به دنبال تغییری میدانم که حکومت کردن کار دشواری است اما آنان که رویاهایی پر شور دارند میتوانند اوضاع را دگرگون کنند».

پابلو ایگلسیاس استاد دانشگاه است و روابط نزدیکی با الکسیس سیراس، رهبر سیریزا و نخست وزیر جدید یونان دارد. سیاست های ریاضت اقتصادی و فساد، ناراضایتی بسیاری را در اسپانیا برانگیخته است و حزب پودموس از زمان حضورش در سیاست اسپانیا توانسته با هدف قرار دادن این مسائل هواداران بسیاری جلب کند.

یکی از تظاهرکنندگان به خبرگزاری رویترز گفت اسپانیایی ها ناچارند که با طبقه حاکم بجنگند. او گفت: «این تنها راه ما است که این سیاستمدارهایی را که همه چیزمان را از ما گرفتند بیرون بیندازیم. آنها حتی خواسته اند شرف ما را از ما بگیرند، اما این یک کار را نمیتواند بکنند.» (۱۱/۱۲/۱۳۹۳ ADN) حرکت کم و بیش مشابهی در جنبش استقلال طلبانه ملی در کردستان سوریه از طریق نه گفتن به حرکت های ملی تا کنون موجود در جنبش رهائی بخش خلق کرد به وقوع پیوست. در آن جا با اتخاذ شیوه ای دموکراتیک در شرکت دادن انواع و اقسام گروه های اجتماعی اعم از ملی، مذهبی، جنسیتی و الهام گرفته از روش شورائی انتخاباتی و شرکت دادن کلیه ی این افشار مختلف در اداره مشترک امور که در این زمینه پذیرش رها کردن زنان از قیود دوران فتوادی و مذهبی و شرکت دادن آنها در اداره امور حرکتی قابل ستایش می باشد، چراکه پس از ربع قرن رسیدن به خودمختاری در کردستان عراق زنان و دختران یکی از

ستم دیده ترین و مورد تجاوز ضدانسانی در آن قرار دارند و بعد از چنین تحول تازه امکان به وجود آمدن آن در این کردستان را نباید نادیده گرفت. در شرایطی که نیروهای دست پرورده داعش با توسل به بربریت محض بخش بزرگی از سوریه و عراق را به زیر سلطه ی خود درآوردند و کشتارهای بی رحمانه ای به راه انداختند، مقاومت توده ای جانانه ی کلیه ی مردم در کانتون کوبانی تهاجم نیروهای داعشی را پس از ماه ها مقاومت با شکست روبه رو ساخته و بدین ترتیب در شرایطی که رژیم های سوریه و عراق در برابر یورش داعشی ها درمانده و بخش ها قابل ملاحظه ای از این دو کشور به دست داعشی ها افتاده است، در کوبانی جلو تجاوز این نیروی ضدانقلابی را گرفته و استقلال خود را با بیرون راندن داعشی ها و ضربه زدن به آنان به دست آوردند. این پیروزی نیز درس مهم دیگری به مردمان منطقه کردنشین و دیگر کشورهای منطقه داد که بنا به گفته ی «خلق و فقط خلق است نیروی محرکه ای که تاریخ جهان را می سازد!» (مائو). تجربه کردهای ساکن کردستان عراق نشان داده بود که با روی کار آمدن دولت کرد، در آنجا بخوربخور فتوالات و سرمایه داران و بوروکرات های دولتی، سلطه ی دین در امور زنان به حدی رسید که رهائی ملی به رهائی از ظلم و ستم نینجامید و به قول معروف «آزادی انقلاب (دموکراتیک) اول گم شد — بار دگر انقلاب می باید کرد!». اکنون توسعه ی این روش دموکراتیک کردستان سوریه در دیگر مناطق کردستان عراق، ترکیه و ایران می تواند حرکتی انقلابی و رهائی بخش را نه تنها در کردستان بلکه در کل این کشورها دامن زده و بدین ترتیب امر رهائی مشترک مردم را با تمایزات مختلف و نقش توده های مردم را فراهم سازد. اما مهم این است که از این پیروزی های اولیه سرمست نشده و با توجه به امکانات مختلفی که نظام سرمایه داری جهانی و ارتجاع منطقه در دست دارند پیروزی را قطعی و تمام شده تصور نکرد و آماده حملات جدید ارتجاع جهانی و منطقه ای باقی مانده و هشاری را از دست نداد. به هر حال اگر این پیروزیها را همراه با ناتوانی امپریالیسم تجاوزگر جهان در دست یابی به پیروزی در سوریه و اوکراین اضافه کنیم و با توجه به این که پس از گذشت بیش از ۷ سال از بروز بحران مالی و اقتصادی همه جانبه هوز کشور های امپریالیستی نتوانسته اند راه حلی



کنسرت ها" نوشت: "سریال لغو کنسرت های موسیقی در شهرستان ها به بخش هیجان انگیز خود رسید. حالا دیگر ممانعت از برگزاری یک کنسرت از سوی یک گروه یا خواننده در یکی از شهرستانهای کشور به یکی از خبرهای تکراری تبدیل شده و رنجبرهایی را به وجود آورده است که هر ازگاهی به سراغ یکی از شهرها میرود. این روزها نیز بوشهر و به دنبال آن شیراز بر سر راه مسیر این رنجبره قرار گرفته اند. کنسرت گروه لیان که توانست تنها یکی از دو سئانس پیشبینی شده در روز جمعه، ۱۲ دی در سالن سینمای شهید آوینی این شهر برگزار کند، حالا با مخالفت فرماندار شیراز مواجه است." اواخر دی ماه نیز حسین نوش آبادی، سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد که این وزارتخانه فقط مسئول صدور مجوز کنسرت ها است و تامین امنیت آن بر عهده نهادهای انتظامی خواهد بود. او به خبرگزاری ایلنا، گفته بود: "وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرجع صدور مجوز است. ایجاد امنیت و نظم برای کنترل محیط بیرونی کنسرتها وظیفه وزارت ارشاد نیست. اگر برنامه ای در سالن های خود وزارت ارشاد با مشکل مواجه شود موقعیت فرق میکند اما اگر کنسرت در سالنی اجرا شود که برقراری امنیت آن به دست وزارت فرهنگ و ارشاد نیست؛ مسئولان ممکن است بنا به مصالحی تشخیص دهند که این کنسرت ممکن است با حاشیه هایی مواجه شود و آن را لغو کنند. ما نمیتوانیم در برابر مجریان و افرادی که برنامه اجرا میکنند؛ مقاومت کنیم." به این ترتیب مشخص شد که حتی در صورت صدور مجوز توسط وزارت ارشاد نیز، امکان لغو کنسرت های موسیقی همچنان وجود خواهد داشت. بخش دیگری از سخنان امام جمعه شیراز به منازل مبله و "حیثیت شیراز" مربوط است. در مرداد ماه گذشته، سرهنگ اکبری، رییس اداره نظارت بر اماکن عمومی پلیس فارس اعلام کرد که منازل مبله فاقد مجوز در شیراز پلمپ شده اند، زیرا: "وجود منازل مبله در شهر شیراز با توجه به وجود بیش از ۲۰۰ هتل و اماکن اقامتی در این شهر ضرورتی ندارد. تبلیغات درون شهری منازل مبله نیز ممنوع است و باعث ایجاد فضای بسیار نامطلوبی در فضای شهر شده است." او همچنین تاکید داشت که "برگزاری هرگونه مجلس جشن و شادی مختلط" ممنوع است و "با متخلفان به شدت برخورد خواهد شد." اکبری اضافه کرده بود: "در چهار ماهه گذشته از

حق معاشرت و قدم زدن با هم را نداشته و در یک کلام رژیم جمهوری اسلامی کوشیده است تا هنر عزاداری را به مردم تحمیل کند و خوشبختانه با مقاومت جانانه ای از جانب اکثریت عظیم مردم روبه رو شده و جامعه ایران به مانند کوه آتش فشانی گشته است که زمان بروز آتش خشم آنها هر روز نزدیک تر می گردد. حال به اندکی از رفتارهای عمال رژیم نظری بیاندازیم:

نماینده رهبر: اجاره منزل مبله و

کنسرت موسیقی ممنوع

روز آنلاین: اسدالله ایمانی، نماینده رهبر جمهوری اسلامی در استان فارس و عضو مجلس خبرگان، طی سخنانی در جلسه شورای فرهنگ عمومی استان فارس نگرانیهای فرهنگی خود را بیان کرد. او گفت: "تلفیق مسایل دینی و بازدیدی در اماکن تاریخی و فرهنگی و مذهبی استان فارس ضرورت دارد و باید لحاظ شود که اگر امسال برنامه های سال گذشته تکرار نشود در پاسارگاد و تخت جمشید دچار مشکل خواهیم شد." به گزارش خبرگزاری ایلنا، آیت الله ایمانی اضافه کرد: "نیاز است که به برنامه ریزی های فرهنگی و مذهبی برای شهر شیراز که سومین حرم اهل بیت (ع) است بیشتر توجه شود. زیرا شاهد هستیم که در ایام خاص از جمله ولادت و شهادت ائمه اطهار، تغییر در ظاهر و نماد شهر ایجاد نمیشود که این یک ایراد برای این شهر است." او نسبت به برگزاری مکرر کنسرت موسیقی در شیراز هم اعتراض کرد و گفت: "متأسفانه در بخش فرهنگی شهر شیراز در افق نامشخصی فعالیت میکنیم به طوری که عنوان شیراز از سومین حرم اهل بیت (ع) با دهکده موسیقی در ایران در حال جابجایی است. ما مخالف برگزاری کنسرت و موسیقی در استان فارس نیستیم اما پرداختن به این موضوع اندازه ای دارد و نباید به ماهیت شهر شیراز لطمه وارد کند. رکن و الزام اصلی شهر شیراز، پرداختن به فعالیت های دینی و برقراری فضای دینی و مذهبی است که باید از نگاه کارشناسی بررسی شود." سخنان اسدالله ایمانی، خلاصه ای از رویکرد فرهنگی نمایندگان آیت الله خامنه ای در شهرستان های ایران است. بخشی از نگرانیهای امام جمعه شیراز، مربوط به برگزاری کنسرت موسیقی است. مشابه این فشارها در شهرهای دیگر نیز وجود داشته و بسیاری از کنسرتهای موسیقی در سال گذشته لغو شده اند. اواسط دیماه روزنامه شرق در گزارشی با عنوان "موج لغو سریالی

برای فائق آمدن بر این بحران بیابند، مجموعه ی این عوامل نشان می دهند که باید موج جدید رشد حرکت های انقلابی و توده ای را در جهان انتظار کشید و برای تقویت آن جنبش کمونیستی را از منجلا ب تفرقه درآورد و با متحد شدن کمونیست ها حول اصول انقلابی کمونیسم علمی به این تغییرات جدید نشاطی تازه و پیشرو داده و بدین ترتیب انقلاب جهانی سوسیالیستی را تدارک دید. آیا در ایران نیروهای چپ این وضعیت را ملاحظه کرده و در جهت پایان دادن به تفرقه حرکت خواهند کرد یا نه خود نشانی از آن خواهد بود که تا چه حد آنها از پیروان شعار «کارگران همه ی کشورها متحد شوید!» هستند؟ و آن را در ایران پیاده می کنند و تاچه حد غرق در خود مرکز بینی خرده بورژوائی بوده و از برج عاج خود به پائین نخواهند آمد. به دیگر سخن رشد مبارزات طبقاتی، نیروهای چپ را در برابر این انتخاب قرار داده است که در صورت عدم آماده گی در پذیرش این واقعیت از حرکت مبارزاتی طبقه کارگر دور افتاده و موفقیتی به دست نخواهند آورد. زمان تصمیم گیری فرا رسیده است! به هر حال پیروزی های جدید مردمی در کردستان سوریه و در یونان را به مردم آزادی خواه و پیشرو جهان تبریک می گوئیم.

ک. ابراهیم -

۱۵ بهمن ۱۳۹۳



آثارشوم انقلاب در عرصه ی هنر!

در زیر گوشه ای از وضعیت هنر و هنرمندان را به یاد می آوریم که قلمها روز به روز شکسته تر می شوند و سانسور مانع انتشار کتاب نویسنده گان می گردد. جوانان برای همراه شدن با رشد موسیقی جهانی با بدبختیهای فراوانی زیرزمینی گیر می آورند تا بتوانند قطعه ای از ساخته های موسیقی شان را نواخته و به طور قاچاقی در جامعه پخش کنند. زنان محروم از آوازخوانی در برابر عامه مردم هستند، زندانها از اسیر نگه داشتن هنرمندان بی بهره نمانده اند و با توجه به شکمهای گرسنه، شلاق نوکران رژیم بر سر مردم و فقدان آزادی هنر نتیجه اش روانی شدن روزافزون به خصوص جوانان می گردد که دختران و پسران حتا



فعالیت بیش از ۲۵ باغ برگزار کننده مجالس که مرتکب تخلف شده اند، جلوگیری شده است.“ یک ماه بعد نیز معاون اجرایی و خدمات شهری شهرداری شیراز اعلام کرد: “۴۲ واحد مسکونی که در قالب واحدهای مبله اجاره داده میشد، با دستور مقام قضایی و همکاری اداره نظارت بر اماکن نیروی انتظامی پلمب شد.“ با این همه، موضوع اجاره خانه های مبله مختص شهر شیراز نیست. اواخر تیرماه گذشته، حسین طلا نماینده راستگرای تهران، در گفتگو با خبرگزاری رسمی مجلس با غیرقانونی خواندن اجاره آپارتمان مبله در تهران برای یک یا دو شب، گفته بود: “اجاره سونیت یا آپارتمان به این شکل علاوه بر ایجاد اختلال از نظر اقتصادی و امنیتی در کشور به بروز مشکلات اخلاقی نیز دامن میزند.“ او همچنین با ذکر اینکه اجاره منازل و آپارتمانها برای مدت کوتاه در حوزه امنیتی به بروز مشکلاتی منجر میشود، افزوده بود: “وقتی کسی خواهان اجاره جایی برای مدت مشخصی است باید مشخصات کامل خود را به متصدی اعلام کند، این در حالی است که در چنین منزلی موجر تنها به کسب درآمد فکر میکنند.“ نماینده تهران اضافه کرده بود: “وقتی کسی به این شکل و بدون هیچ مدرکی جایی را یک یا دو شب اجاره میدهد هم در حوزه اقتصادی و امنیتی اختلال ایجاد کرده و هم در حوزه های اخلاقی زیرا معلوم نیست آن شبی که بپتوخته صورت گرفته با محارم یا با افراد دیگر بوده است.“ چندی بعد عباس قائمید رحمت، یکی دیگر از نمایندگان مجلس و عضو کمیسیون اجتماعی به خبرگزاری رسمی مجلس گفت: “متأسفانه دریافت نکردن کارت شناسایی از افرادی که منازل و سونیت ها را اجاره میکنند و بی توجهی به اینکه فرد مستأجر با کسی که در این سونیت ها اقامت دارد چه نسبتی دارند مشکلات اخلاقی بسیاری را بروز خواهد داد.“ او همچنین اضافه کرده بود: “اخذی با کارگذاشتن دوربین هایی در منازل اجاره ای از سوی موجر تخلف دیگر این سوبیت هاست که باید از سوی پلیس به جد مورد پیگیری قرار بگیرد. روزنامه سیاست روز، تیرماه گذشته در گزارشی از خانه های مبله اجاره های از قول یک وکیل نوشته بود: “طبق ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای میان اشخاص مادامی که فعل خلاف قانون در آن نباشد معتبر و محترم است. [...]“ اجاره دادن ملک که فی نفسه خلاف قانون نیست، حال اگر بین یک مالک و مستأجر موضوع اجاره چند ساعت یا چند روز یا

چند ماه باشد، از منظر نگاه قانونی چیزی عوض نمیشود.“ نویسنده گزارش از قول یکی از خوانندگان این روزنامه هم آورده بود: “مگر این نوع اجاره دادن در تمامی شهرهای مذهبی و توریستی رواج ندارد؟ [...]“ در این صورت همچنین باید با تمام کسانی که در شمال کشور هم ویلا اجاره میدهند برخورد شود. [...]“ مگر در آن شهرها افراد مجوز از اتحادیه هتل داران دارند؟“ ۹۳/۱۱/۸

بیش از ۱۰۵۰ شهر کشور فاقد سالن سینما هستند

عصر ایران: روزهای منتهی به بهمن هر سال و آغاز جشنواره بین المللی فیلم فجر یکی از زمان هایی است که در اکران به زمان مرده معروف شده است و ایام بعد از جشنواره نیز تا پیش از شروع اکران نوروزی شامل همین تعریف است. اما امسال با پدیده ای جالب و منحصر به فرد مواجه هستیم و آن هم نمایش عمومی همزمان بیش از ۲۰ فیلم سینمایی در سینماهای کشور است. در بخش <http://www.aecinema.ir/> «_blank» و «aecinema.ir» هنر و تجربه نیز حداقل ۱۰ فیلم در حال حاضر در تعداد محدود سالنی که در تهران، مشهد، اصفهان و گرگان وجود دارد در حال اکران است. قبل از بررسی وجوه مثبت و منفی این اتفاق، نگاهی به آماری می اندازیم که آخرین وضعیت پراکندگی سینماها در کشور را نشان می دهد. طبق آخرین آمار حدود ۲۰۰ سینما در کشور وجود دارد که شامل بیش از ۳۰۰ سالن در ۶۰ شهر است. بیش از ۱۰۵۰ شهر کشور فاقد سالن سینما هستند و توزیع ۳۰۰ سالن در ۶۰ شهر به هیچ عنوان معرف توزیع عادلانه امکانات فرهنگی در کشور نیست. زمانی می توان اکران همزمان بیش از ۲۰ فیلم در سینماها را منطقی خواند که به جای ۳۰۰ سالن، رقمی چند برابری سالن سینما در کشور وجود داشته باشد. بدیهی است وقتی متولیان امر با تعداد کثیر فیلم های نمایش داده نشده که از سال ۹۲ و حتی سال های قبل تر پشت صف اکران مانده اند مواجه می شوند، سراسیمه و حساب نشده وادار به نمایش همزمان حدود ۳۰ فیلم سینمایی (با احتساب هنر و تجربه) می شوند که در یک بررسی اولیه با نگاهی به تعداد سالن ها و سانس ها، چیزی جز “فیلم سوزی و ورشکستگی” عاید صاحبان فیلم ها نخواهد کرد. استانداردهای جهانی می گویند به ازای هر ۱۰ هزار نفر یک سالن سینما باید وجود داشته باشد در حالی که در ایران به ازای هر ۳۰۰ هزار

نفر یک سالن سینما وجود دارد و توزیع همین ۳۰۰ سالن موجود در ۶۰ شهر چیزی جز شکاف فرهنگی و تبعیض در پی ندارد. این بدان معناست که ما تا رسیدن به سرانه واقعی به بیش از ۷۷۰۰ سالن سینما نیاز داریم. البته که در گوشه و کنار بسیار شنیده می شود که وقتی مردم دچار مشکلات متعدد اقتصادی و معیشتی هستند دیگر وجود سالن سینما را درک نخواهند کرد و بی اعتنا از کنار آن عبور خواهند کرد. ولی از قضا به دلایل متعدد اجتماعی مردم به تفریحات فرهنگی چون سینما رفتن بسیار رغبت نشان داده اند و آمار نسبتاً خوب فروش فیلم ها و استقبال مردمی در شهرهای دارای سالن های با کیفیت (به غیر از مراکز استان ها) که فیلم های روز سینمای ایران را نمایش می دهند خود مؤید این نکته است که الزاما فشار اقتصادی و معیشتی بهانه خوبی برای توجه نکردن به امر سالن سازی و گسترش سینماها نخواهد بود. در این وانفسا اکران همزمان این تعداد فیلم آن هم در سانس های بسیار کم، صاحبان فیلم ها را ناامید و سرخورده می کند و چیزی جز از بین رفتن سرمایه و فرار بخش خصوصی از جریان رایج تولید سینمای ایران در پی ندارد. اگر بخواهیم به وجوه مثبت اکران همزمان این تعداد فیلم نگاهی بیاندازیم به این نتیجه می رسیم که تنوع فیلم ها مخاطبان با سلیق گوناگون را در انتخاب اثر مورد علاقه اش آزاد می گذارد ولی این نکته زمانی به بار می نشیند که تعداد سینماهای فعلی به عددی چند برابر رقم فعلی برسد و از لحاظ پراکندگی شهرهای بیشتری را در سراسر کشور پوشش دهد. اما امیر حسین علم الهدی، کارشناس سینما و مدیر اجرایی شورای سیاستگذاری گروه سینمای هنر و تجربه، در گفت و گو با عصر ایران ضمن اشاره به اینکه اعتقادی به فیلم سوزی در شرایط فعلی اکران ندارد، گفت: بسیاری از فیلم هایی که هم اکنون بر پرده سینماها قرار دارند قابلیت فروش بالا و جذب تماشاگر عام را ندارند؛ واژه ی زمان مرده هم واژه غلطی است و ما در حال زمان سوزی هستیم تا فیلم سوزی. وی با بیان اینکه در حال حاضر به دلیل حضور فیلم های خوب تولید امسال در جشنواره، چاره ای جز نمایش عمومی فیلم های باقیمانده از سال گذشته و البته برخی آثار ضعیف نداریم، گفت: این مسئله باعث شده تا این زمان از دست برود و یادمان نرود فیلم خوب در هر زمانی نمایش داده شود پرفروش و پرمخاطب خواهد بود. مدیر اجرایی و دبیر شورای سیاست



ایالات متحده نقشه های شومی در سر می پروراند تا در ظرف چند دقیقه روسیه را نابود کند می گذرد؟

از روزنامه پراودا،
مصاحبه با آینا نویکووا
- ۲۶ دسامبر، ۲۰۱۴

غرب جنگ سردی را علیه روسیه اعلام کرده است. هدف نهایی ایالات متحده نابود کردن روسیه است. آمریکایی ها هم اکنون در نظر دارند تا پتانسیل هسته ای روسیه را ساقط کنند. طرح اول آنها این ست تا با یک ضربه کاری روسیه را کاملاً از میان بردارند. طرح دوم آنها این است تا سکو های موشکی را نابود کنند. پرزیدنت مدرسه عالی مشکلات سیاست جهانی، کانستانتین سیوکوو، نظرات خود را در مورد بوجود آمدن بن بست بین روسیه و غرب را طی مصاحبه ای با پراودا، در میان می گذارد. «سیاستمداران آمریکایی انواع جنایات را مرتکب شده اند. آیا هیچ کس پاسخ گوی این جنایات می باشد؟ در مورد قوانین بین المللی چی، سازمان ملل و دیگر سازمانها؟ آیا آنها هیچ کاری در این مورد به عمل می آورند؟» «در واقع، برای مدت مدیدی می توان جنایات آنها را برشمرد. در عراق، یک میلیون و دویست هزار نفر کشته شدند. برگزیدگان و نخبگان آمریکایی به تمام این جنایات زمانیکه محاکمات نورنبرگ دوم شروع گردد، پاسخ خواهند داد. برگزیدگان و نخبگان هیتلر به تمام این جنایات و جرائم تنها پس از نابود شدن ماشین جنگی هیتلر و افتتاح دادگاه نورنبرگ، پاسخ دادند.»

«برگزیدگان و نخبگان آمریکایی به هیچ چیز پاسخ گو نخواهند بود تا زمانیکه ماشین نظامی و جنگی آنها نابود نشده باشد. نیازی به گفتن نیست که نیروهای خارجی نمی توانند در شکست این برگزیدگان و نخبگان مؤثر باشند. شورشهای فرگوسن تنها کمی تنش از خود نشان داد. در واقع، جامعه آمریکا دچار کشمکش درونی زیادی است. لایه های تضاد گسترده ای در این کشور مانند قومی، فرهنگی، حق مالکیت، تفاوت

گذاری سینمای هنر و تجربه با بیان اینکه بخش خصوصی و سرمایه گذار به دنبال امنیت هستند و باید دولت و شهرداری ها به کمک این بخش بشتابند، افزود: برای ساخت سالن در سراسر کشور، دولت و بخش عمومی باید با ابزارهای تشویقی مانند معافیت های مالیاتی، معافیت عوارض شهرداری و پرداخت وام های کلان کم بهره، سرمایه های سرگردان بخش خصوصی را به این سمت سوق دهند تا در هر شهر بالای جمعیت ۲۰۰ هزار نفر حداقل یک مجموعه سینمایی دایر باشد. وی ادامه داد: تجربیات نشان داده هر کشوری که دارای رفاه اجتماعی است وضعیت سینما در آنجا خوب و با رونق است و کشوری که درآمد سرانه پایینی دارد و در دیگر بخش ها مانند سرانه مطالعه و دیگر پارامترهای فرهنگی اجتماعی وضعیت بغرنجی دارد، توقع استقبال از سینما و فیلم ها در این چنین کشوری غیرکارشناسی است؛ این مسئله دیگر در اختیار سازمان سینمایی نیست و باید ساز و کاری در سطح کلان تعریف شود تا همه پارامترهای توسعه فرهنگی از سرانه مطالعه کتاب تا سرانه فیلم دیدن به نحو محسوسی ارتقا یابد.

علم الهدی افزود: با این وجود وقتی هر دو ماه یکبار خبر توقیف فیلم ها به گوش می رسد و مخاطب از دیدن اثر مورد علاقه اش محروم می شود دیگر برای سرمایه گذار امنیتی وجود ندارد و اینجاست که همان بخش خصوصی فعال که در تولید فیلم های خوب مشارکت دارند عطای این کار را به لقایش خواهند بخشید و همین تعداد سالن سینماها هم تعداد کمتری فیلم خوب بر پرده خود خواهند دید. در این شرایط اکران فیلم خوب و مناسب خارجی نیز می تواند به بهبود شرایط کمک کند.



به تارنما های
اینترنتی حزب
رنجبران ایران
مراجعه کنید و نظرات
خود را در آنها
منعکس کنید!

های ارضی و حتی نشانه هایی از اختلافات ایده ئولوژیک وجود دارد. در ایالات متحده تضادهای درونی فراوانی موجودند.» «امروز، این تناقضات در مصرف بیش از حد (یا افراط در مصرف) گم شده است، اما، دوران افراط در مصرف به پایان می رسد. در آمریکا هم اکنون مردم صف می کشند تا به سختی کوین غذایی به چنگ آورند. بالاخره، جامعه آمریکا به تدریج رو به زوال خواهد رفت، زمانی که سؤال در مورد مسئولیت برگزیدگان و نخبگان آمریکایی در قبال جامعه و مردم مطرح گردد.»

«علاوه بر مشوق مجازی مصرف (هویچ)، در آمریکا مردم در حد گسترده ای به شلاق کشیده می شوند. سیستم کیفری ایالات متحده بسیار قوی است.» «این واقعیتی است. ماشین دولتی هیتلر مشابه بود. با وجود این مردمانی در آلمان نازی بودند که در برابر همه این وحشیگری ها مبارزه می کردند. آنها سعی می کنند تا در سطح قابل قبولی اکثریت مردم را راضی نگهدارند. تا بحال، آنها به اندازه کافی مغز ندارند که با اطمینان از سربازان پیشین و جنگ دیده های نیروهای مسلح خود نگهداری مناسب و معقول کنند. در ایالات متحده آمریکا، رسوائی مربوط به سربازان جنگ دیده و پیشین طور نیست که، منافع و خدمات اجتماعی در یافت نمی کنند، و این بطور مکرر اتفاق می افتد.»

جامعه آمریکا بالاخره روزی به اضمحلال خواهد رسید. «کافیست به یاد بیاوریم رسوائی اخیر در مورد سربازی که متهم به قتل اسامه بن لادن شده بود. خوب، این حتی دلیل قانع کننده ای نیست. توجه کنید به تاریخ و زمان آخرین سخنرانی رئیس ستاد نیروهای مسلح روسیه، ژنرال گراسیموو. سخنرانی او چیزی جز تشخیص بالفعل واقعیتی که غرب جنگ سرد را بر ضد روسیه اعلام کرده است نبود. من می خواهم به شما یاد آوری کنم که در سال ۱۹۴۹، این اتحاد جماهیر شوروی نبود، که جنگ سرد را شروع کرد بلکه غرب بود. این اتحاد جماهیر شوروی نبود که پرده آهنین را ساخت، بلکه غرب بود. ایالات متحده سازمان اتلانتیک شمالی را در سال ۱۹۴۹ بوجود آورد، و پیمان ورشو تنها می بایست شش سال بعد، در سال ۱۹۵۵ ایجاد گردد. ما می بایست تحت چنین شرایطی اقداماتی در مقابل سازمان ناتو به عمل می آوردیم. امروز هم هیچ چیز فرق نکرده است.»



«گزارشات فراوانی حاکی بر این است که ایالات متحده به طور جدی خود را برای جنگ علیه روسیه آماده می کند، که آنها قصد استفاده از هزاران موشک کروز را علیه ما دارند.»

«این چیزی است که مطلقاً تحقق پذیر می باشد. علیه یوگوسلاوی و عراق، ایالات متحده بیش از هزار موشک استفاده کرد. با این حال، یکی باید اول تمام این موشک ها را در جایی استقرار دهد. غیر ممکن است که این موشک ها در یک وحله پرتاب شوند. چنین حمله ای می بایست برای مدت طولانی صورت پذیرد. بنابراین، اگر آنها موشکی به سمت روسیه پرتاب کنند، روسیه با ضربه تلافی جویانه هسته ای پاسخ خواهد داد. بنا براین، هزاران چنین موشکهایی می توانند مؤثر باشند تنها اگر موفق به خنثی کردن قدرت بالقوه هسته ای روسیه بشوند.»

«به دو طریق امکان پذیر است که قدرت بالقوه هسته ای روسیه را خنثی ساخت. اولی حمله ای است که روسیه را نابود می کند. تدبیر این است که مراکز فرماندهی را نابود سازند، که از آنها دستور صادر می شود. راه دوم این است که سکوهای پرتاب موشک ها را نابود سازند. آنها از هر دو راه نیز می توانند استفاده کنند. توجه داشته باشید که در طول سالهای اخیر، آمریکائی ها از روسیه به خاطر نقض مورد ادعای پیمان موشک های میان برد انتقاد می کردند. اکنون، روسیه می تواند اروپا را تنها با کمک نیروهای هوایی خود مورد ضربات هسته ای قرار دهد. اما فعلاً، سیستم دفاعی هوایی قدرتمندی در اروپا وجود دارد که غلبه بر آن را مشکل می سازد.»

«ما با این شرایط توافق کردیم، آمریکائی ها موشکهای پرشینگ دو را توسعه دادند. یکی از ویژه گی های مخرب این موشک، خط سیر صاف پرواز و تماس (اصابت) با دقت بسیار بالای آن می باشد - یعنی حدود پنج تا ۱۰ متر. چنین موشک بالستیکی فاصله دو و نیم تا سه هزار کیلومتر را در عرض پنج تا هشت دقیقه طی می کند. بنا براین، آمریکائی ها شرایط را برای ضربه کاری که سبب نابودی ما می شود را ایجاد کرده اند. آنها فرصتی را برای حمله به روسیه و سایر شهر ها از داخل خاک ترکیه و بسیاری از مناطق دیگر ایجاد کرده اند.

آمریکائی ها سعی می کنند تا روسیه را فقط در ظرف چند دقیقه نابود سازند.

«به منظور حفاظت کشورمان از این ضربه نابودشدنی، ما پیمان در مورد موشک های با برد متوسط را پذیرفتیم. امروز آمریکا

جیغ و فریاد سر می دهد که ما معاهده را نقض کرده ایم. همه این جیغ و فریادها البته، به این خاطر است که دلیلی برای خروج از این پیمان پیدا کنند و دست به استقرار چنین موشک هایی بزنند. علاوه بر این، آمریکا به اصطلاح پتانسیل گریز از این پیمان را نیز دارد. بعد از پیمان کاهش تسلیحات استراتژیکی اول (استارت - ۱)، گورباچف استنتاج کرد که سلاح های هسته ای از ده هزار به چهار هزار برای طرفین کاهش یابد. روسیه شش هزار کلاهک هسته ای را نابود ساخت. علاوه براین، اورانیوم غنی شده برای سلاح و پلوتونیوم بدست آمده از اوراق کردن کلاهک ها را برای یک مبلغ نمادینی به ایالات متحده تحویل داده شد.»

«شما منظورتان اینست که برای یک پنی فروخته شد.»

«بله، برای یک پنی فروخته شد. امروز، آمریکائی ها آن را برای نیروگاه های هسته ای خود استفاده می کنند. آنها به اوکراین نیز می دهند. آمریکا ۶۰۰۰ کلاهک هسته ای خود را اوراق نکرده است - آنها این کلاهک را هنوز در آمریکا ذخیره کرده اند. آن کلاهک های هسته ای، در هر زمان می توانند بر مراحل دوم موشک های می نت من سوار شوند که هم چنین اوراق نشده اند. آمریکا تنها مرحله سوم این موشک ها را اوراق کرد. با مرحله دوم آن، می نت من می تواند ۵۰۰۰ کیلومتر پرواز کند. آنها می توانند چنین موشکهایی را در اروپا مستقر سازند. بنابراین، امروز، روسیه خود را در وضعیت بسیار دشواری می بیند. «اتحاد جماهیر شوروی زمانی که وارد جنگ سرد شد دارای یک ایده تئولوژی واضح و روشنی بود. ایده تئولوژی اتحاد جماهیر شوروی در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده بود. اتحاد جماهیر شوروی هم چنین دارای یک جامعه در آمیخته یک پارچه شده (بی طبقه؟ - مترجم) بود. اتحاد جماهیر شوروی با میهن پرستان بدون قید و شرطی که جنگ را بردند رهبری می شد، پتانسیل اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد اقتصاد آمریکا بود. اتحاد جماهیر شوروی دارای صنایع توسعه یافته بسیار خوبی بود که متکی به غرب نبود. صنایع اتحاد جماهیر شوروی می توانست مستقل توسعه یابند. «در اتحاد جماهیر شوروی مدارس علمی کاملاً پیش رفته وجود داشت که با مدارس پیش رفته آمریکا هم تراز بود. مهم تر از همه، اتحاد جماهیر شوروی حیاط خلوت بزرگ استراتژیک در غالب کشورهای سوسیالیستی داشت، که در آنها

نیروهای اتحاد جماهیر شوروی مستقر بودند. تحت این عنوان بود که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد جنگ سرد شد. در وضعیت امروز، اگر روسیه را با شروع جنگ سرد قبلی مقایسه کنید، زمین تا آسمان فرق دارد.»

«امروز، ما در یک وضعیتی هستیم، زمانی که، متأسفانه تئوری آغاز می شود که به عمل تبدیل شود. در روسیه امروز هیچ چیز از آن دوران را نداریم. پتانسیل اقتصادی امروز روسیه تنها ۱۰٪ پتانسیل اقتصادی آمریکا می باشد. جمعیتی کلی اینکه، ما وابسته به نظرات غرب در تخریب علم پایه ای و کاربردی مان شدیم.»

«آیا شما فکر می کنید که وضعیت این قدر فاجعه بار باشد؟»

«ما وارد جنگی در وضعیت فاجعه باری می شویم. اقدامات فوق العاده ای باید انجام گیرد. اگر این اقدامات صورت نگیرند، کشور ما به سرعت شکست خواهد خورد. تنها چیزی که غرب را امروز عقب نگهداشته، قابلیت قدرت هسته ای ماست. معهذاً، این پتانسیل هسته ای می تواند خنثی گردد. جنگ مدرن علیه روسیه می تواند به همان طور که علیه اوکراین، سوریه، مصر، لیبی و غیره صورت گرفت، علیه روسیه نیز انجام پذیرد.»

اثر پیش بینی نشده و نا خواسته قیمت نفت خام

آیا پوتین در حال ایجاد نظم نوین جهانی است؟ توسط مایک ویتنی، کانتر پنچ، شش ژانویه ۲۰۱۵

«اگر کم حساب کردن برای قیمت محصولات انرژی عمداً رخ دهد، این نیز به کسانی که این محدودیتها را ایجاد می کنند تأثیر می گذارد. مشکلات بوجود می آیند و رشد می کنند، شرایط را نه تنها برای روسیه بد تر می کند بلکه، برای شرکا نیز بدتر خواهد شد.»

(از رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین) این مشکل است که بدانیم کدام کشور از کاهش قیمت نفت رنج خواهد برد. تا به حال، البته روسیه، ایران و ونزوئلا بزرگترین ضربه را خورده اند اما، احتمالاً این شرایط با گذشت زمان تغییر خواهد کرد. چیزی که دولت اوپاما باید در موردش نگران باشد، اثرات مرحله بعدی است که خود را به صورت افزایش بیکاری، نوسانات بازار، و ترازنامه های بانکی لرزان نشان خواهد داد. این جایی است که خسارت واقعی می



رود تا سر درآورد و خود را نشان دهد، به دلیل اینکه آنجائی که جوهر قرمز و وام های بد می تواند به بحران مالی تمام عیار از یک نقطه به نقطه دیگر گسترش یابد. کتاب تازه نیک کانینگهام را در وب سایت (*) ملاحظه کنید و شما خواهید دید منظور من چیست: «طبق ارزیابی از بانک فدرال ریزرو دالاس (تگزاس)، در سال ۲۰۱۵ امکان از دست دادن حدود دویست و پنجاه هزار شغل در هشت ایالات آمریکا می تواند وجود داشته باشد، اگر قیمت نفت افزایش نیابد. بیش از ۵۰ درصد از این شغلها در ایالت تگزاس که بزرگترین تولید کننده نفت در این کشور است، قرار دارند. برخی از نشانه های اولیه است که کاهش سرعت در حفاری می تواند به بخش تولید در تگزاس گسترش یابد... یک مدیر اجرایی در یک شرکت تولید فلز در یک نظر سنجی گفت، «کاهش قیمت نفت خام می رود تا شرایط را با سرعت بسیار وخیم کند.» یکی دیگر از شرکت های تولید کننده ماشین آلات به فدرال ریزرو دالاس گفت، «قیمت کاهش یافته نفت خام در آمریکا می رود تا حفاری را که به نوبه خود بازار را برای تولیدات ما کاهش می دهد تقلیل دهد..» به گفته همین بانک، تمایل برای تولید کننده مواد شیمیائی نیز همان بود، یعنی «قیمت پائین تر نفت بطور منفی بر روی در صد سود اثر می گذارد. نوسانات انرژی باعث خواهد شد که مشتریان ما انبار ذخیره خود را در سطح مینیوم نگهدارند.» ایالتی مانند تگزاس، داکوتای شمالی، اوکلاهما و لوئیزیانا در طول چند سال گذشته به خاطر جریان سریع و غیر عادی تولید نفت، دارای رونق اقتصادی بسزائی بودند. اما، این بخش که اکنون رو به فروکش می باشد، شکاف و زخم بزرگی را در ایجاد مشاغل و بودجه های ایالتی می گذارد. «قیمتهای پائین نفت منجر به بیکاری در صنایع نفت می گردد، نیک کانینگهام، (*) البته صنایع معمولاً همیشه کارگران را اخراج و از کار بی کار می کنند و این منجر به بحران مالی نمی شود. اما، بی کاری تنها بخشی از این تصویر است، کاهش مصرف شخصی بخش دیگر می باشد. ملاحظه کنید.

«کاهش قیمت نفت مانع بزرگتری در رشد اقتصادی است در مقایسه با "پس انداز" بدست آمده توسط مصرف کننده... به طریق دیگری برای نشان دادن این بصورت تصویر نیست که اگر در مجموع به تغییرات سالانه در هزینه های مصرف شخصی نسبت به قسمت فرعی هزینه های

مصرف شخصی، مصرف شده برای انرژی و محصولات مرتبط آن. نگاهی بیاندازیم. ملاحظه می کنید؟ بنابراین، با وجود آنچه که شما ممکن است در شبکه ماکروسافت خوانده باشید، قیمت پائین تر گاز نمی تواند به معنی مصرف شخصی بیشتر یا رشد نیرومند تر باشد. برخلاف این تصور، آنها متمایلند که فشارهای ناشی از تورم را تشدید بخشند و فعالیتی را که ضربه گیر در مقابل رشد است، کاهش دهند. سپس، تأثیر قابل توجهی به خاطر کاهش سرسام آور قیمتها، و اخراج ها در صنایع دیگر مانند معدن، صنایع کالائی و تولیدات شیمیائی ببار می آورد. در این جا می توانید بیشتر به وب سایت (*) مراجعه کنید. «تولید نفت و گاز بخش سنگین قابل توجهی از اجزاء "معدن و تولیدات صنعتی" از روال اشتغال را می سازد. از سال ۲۰۰۰، زمانیکه افزایش سریع قیمت نفت کشش قابل ملاحظه ای بدست آورد، ایالت تگزاس بیش از ۴۰ درصد از تمام مشاغل را در کشور تشکیل می داد و این آمار طبق گزارش سه ماهه اول بانک فدرال ریزرو دالاس می باشد.... اکثر مشاغل ایجاد شده از زمان شروع بحران مالی، مشاغل با دستمزد پائین در خرده فروشی، بهداشت و درمان و خدمات در دیگر بخش های اقتصادی بوده است. در مقابل، مشاغل ایجاد شده در بخش انرژی از بالاترین مزدهای پرداختی موجود در مهندسی، فن آوری، حساب داری، حقوقی و غیره می باشد. در واقع، برای هرکار ایجاد شده در بخش مربوط به انرژی "با اثر موج وار"، ۲٫۸ شغل در جای دیگر در اقتصاد از لوله کشی تا پوشش، حمل و نقل، رستوران ها و خرده فروشی و غیره ایجاد شده است... نتیجه آشکار سقوط سنگین قیمت نفت اینست که در نهایت، از دست دادن درآمد منجر به کاهش تولید، کاهش در طرح های هزینه های سرمایه را (که شامل تقریباً یک چهارم تمام هزینه های سرمایه در اس & پی ۵۰۰ می باشد)، غیر قابل حرکت می سازد و یا کاهش در اشتغال و کاهش در درآمد و سودآوری ایجاد خواهد کرد.... به عبارت ساده، قیمت های پائین تر نفت و بنزین ممکن است کاهش به مراتب بزرگتری در اقتصاد نسبت به "پس انداز" ارائه شده به مصرف کننده داشته باشد.» (افسانه قیمت بنزین، لنس رابرتس، *) هیچ کدام این ها به نظر نمی رسد اطمینان بخش باشند، آیا چنین است؟ با این حال همه آن چیزهایی که از رسانه ها می شنویم اینست که چگونه اقتصاد با «سرعت فرار» می

رود تا با نفت ارزان بهبود یابد. کاملاً بی معنی است. این تنها شبیه «گلوله های آغشته به دلار» مزخرفی است مثل مواد مخدریست برای روابط عمومی. حقیقت اینست که اقتصاد بیشتر به مشاغل خوب و پر درآمد احتیاج دارد تا اینکه نیازی به انرژی کم قیمت. اما، در حال حاضر که قیمتها معلق اند، آن مشاغل در حال ناپدید شدنند که می رود تا رشد اقتصادی را کند و آهسته کند. حال این سرمقاله ها را ملاحظه کنید که من از گوگل انتخاب کردم که به شما کمک می کند که در خارج از این رادار چه خبر است. سی ان ان: «تگزاس در معرض خطر رکود اقتصادیست». اقتصاد دان جی پی مورگان می گوید، «با تحریک موقعیت نفت، تگزاس می تواند با رکود مواجه شود». وال استریت ژورنال می گوید، «دوران شکوفائی از تگزاس تا داکوتای شمالی ممکن است در اثر کاهش قیمت نفت به دورانی نامساعد و مضر تبدیل گردد». بلومبرگ، «قیمت های کاهش یافته نفت در سال جدید موقعیت ایالات نفت خیز را بسیار وخیم می کند»، هم چنین شبکه خبری وایس، «نفت خیز ترین ایالات آمریکا به خاطر سقوط بهای نفت خام در حال ضربه خوردن می باشند»، کسب و کار خودی (بیزینس انسایدرز) حال، شرایط را ملاحظه می فرمائید؟ اگر بهای نفت هم چنان سقوط کند، بیکاری می رود تا همگی را میخکوب کند، فعالیتها می رود تا آهسته گردد، و اقتصاد می رود تا از کار بایستد و آسیب نیز تنها به آمریکا محدود نمی شود. مقادیر زیادی از این اطلاعات را می توانید از نشریه تلگراف انگلستان بدست آورید. «بر اساس تحقیقات جدید، یک سوم شرکتهای فهرست شده نفت و گاز بریتانیا در معرض خطر تحلیل رفتن سرمایه و حتی ورشکستگی در گریو دار یک رکود در ارزش نفت خام می باشند. شرکت نظارتی گروه مدیریت ریسک مالی معتقد است که هفتاد تا از شرکتهای اکتشافی نفت و تولید گاز ذکر شده عمومی انگلستان در حال حاضر غیر قابل سودآوری هستند، زیان های قابل توجهی در حدود ۱٫۸ میلیارد یورو را به حساب می آورند. چنین است میزان فشار مالی در حال حاضر که حفاری های قوی در انگلستان را ضایع می کند، بطوریکه این شرکت نظارتی تخمین می زند، یک سوم از ۱۲۶ شرکت نفت و گاز به نقل از ای آی ام، و بازار بورس لندن هیچ درآمدی تولید نمی کنند. یافته ها آخرین هشدار بود که به صنعت نفت و گاز از زمان سقوط



▶ قیمت نفت خام (که در ماه نوامبر شتاب پیدا کرد)، یعنی زمانیکه کشور های اوپک تصمیم گرفتند مقدار تولید را ثابت نگه دارند، داده شد. این تصمیم موجب شده است تا قتل عام در بازارهای نفت بوجود آید، بطوریکه یک بشکه نفت خام (برنت) ۴۵ درصد یا به ۶۰ دلار در هر بشکه می رسد. (یک سوم شرکت های حفاری نفت و گاز در انگلستان با ورشکستگی روبرو هستند، تلگراف) آیا شما می گوئید «قتل عام در بازار های نفت»؟

در واقع، بسیاری از شرکت های تازه وارد در حفاری نفت با استفاده از نرخ پائین و پول آسان در دسترس در بازار اوراق قرضه، کسب و کار راه می اندازند. اکنون که قیمت ها سقوط کرده اند، سرمایه گذاران از اوراق قرضه بنجل مربوط به انرژی، مانند طاعون اجتناب می ورزند و این برای شرکت های کوچکتر غیر ممکن می شود که بدهی های خود را ادغام جذب سرمایه تازه کنند. هنگامی که این شرکت ها یکپو شروع به قصور می کنند، هم چنانکه آنها قطعاً قصور خواهند کرد اگر قیمت ها به جای اول بر نگردد، اثر پیش بینی نشده و نا خواسته در ترانزنامه های بانک در سر تا سر کشور احساس خواهد شد که به نوبه خود امکان بوجود آمدن بحران مالی دیگری را در بر دارد (اکنون ما در مورد یک بحران مالی صحبت می کنیم). مشکل اساسی اینجاست که بانک ها بسیاری از بدهی های خطرناک خود را به محصولات مالی مهندسی شده مانند اوراق قرضه ای که پشتوانه آنها اسناد بها دار دیگریست و تعهدات وثیقه وام که به ناچار باشکست روبرو خواهد شد، زمانیکه وام گیرندگان دیگر قادر به دادن خدمات به وام نیستند. این پوسیدگی را می توان برای مدتی پنهان نگاه داشت، اما در نهایت، اگر قیمت ها ترمیم نشوند، تعداد قابل توجهی از این شرکتها به زیر خواهند رفت که تحت این شرایط، سیستم بانکی ای را که دائماً از نداشتن سرمایه رنج می برد، یک بار دیگر به آستانه ورشکستگی می رساند. به همین دلیل طرح واشنگتن با فشار به کاهش قیمت نفت (که به اقتصاد روسیه صدمه وارد سازد) ممکن است برای کوتاه مدت قابل درک باشد (با شوک، پوتین را وادار به تسلیم کند) اما، به عنوان یک استراتژی دراز مدت، احمقانه است. و چه حتی از این شکاف دارتر، این است که اوپاما تصمیم گرفته است که طرح احمقانه خود را دو برابر تشدید دهد، اگر چه پوتین حتی یک اینچ هم به او نداده است. شما می توانید این

نکات را در خبر گذاری رویتر روز دوشنبه ملاحظه فرمائید. «دولت اوپاما جبهه جدیدی در نبرد جهانی برای سهم بازار نفت باز کرده است، که بطور مؤثر راه را برای حمل و نقل تا یک میلیون بشکه نفت خام سبک آمریکا در روز به سایر نقاط جهان باز کرده است... وزارت بازرگانی در روز سه شنبه سکوت یک ساله در مورد منازع چهار دهه ممنوعیت صادرات نفت به خارج را پایان بخشید و گفت: این وزارت خانه تصویب در خواست برای فروش نفت تصفیه شده سبک به خارج را آغاز کرده است. «این اقدام در برهه حساس بازار جهانی نفت اتفاق می افتد. قیمت های جهانی نفت به نصف یعنی کمتر از ۶۰ دلار در هر بشکه نسبت به تابستان گذشته رسید. عربستان سعودی به عنوان بالاترین صادر کننده نفت، که زمانی مدافع سرسخت بشکه ای ۱۰۰ دلار بود، در قبال جریان سریع و غیر عادی تولید سنگ نفت زای آمریکا و خوی تقاضای جهانی از کاهش تولید انصراف کرد... با بازار جهانی نفت در حال ریزش، از روشن شدن اینکه چقدر نفت تغلیظ شده آمریکا بازار برای صادرات پیدا خواهد کرد، فاصله بسیار زیاد است.» (تجزیه و تحلیل - باز کردن شیر نفت ایالات متحده برای صادرات، نبرد برای بازار جهانی را گسترده می کند، خبرگزاری رویترز) آیا این به نظر شما منطقی است، خواننده عزیز؟ چرا اوپاما بطور ناگهانی انتخاب می کند که قواعد بازی را تغییر دهد، زمانی که او می داند این تصمیم عرضه را افزایش می دهد و قیمت ها را حتی بیشتر به سمت پائین سوق می دهد؟ چرا او این کار را انجام می دهد؟ بدیهی است، او نمی خواهد ضربه بیشتری را به تولید کنندگان داخلی وارد آورد، آیا او می خواهد؟ اجازه دهید خود اوپاما به این سؤال پاسخ گوید. در این جا توجه شما را به یک کلیپ از مصاحبه خبر گذاری ان پی آر با رئیس جمهور در هفته گذشته را جلب می کنیم.

تقریباً در نیمه مصاحبه، استیو اینسکیپ از ان پی آر، از اوپاما می پرسد: آیا شما خوش شانس هستید که قیمت نفت کاهش یافت و در نتیجه ارزش آنها سقوط کرد یا... آن چیزی است که شما انجام دادید؟

باراک اوپاما: اگر شما به یاد می آورید، اقتصاد آنها (روسیه) هم اکنون منقبض بود و سرمایه ها حتی قبل از اینکه قیمت نفت سقوط کرده باشد به خارج فرار می کردند. و بخشی از منطق ما در این فرایند این بود

که تنها چیزی که آن اقتصاد را شناور نگه می داشت، قیمت نفت بود. و اگر، در واقع، ما استوار در اعمال فشار تحریم باشیم، که ما استوار بوده ایم، که در طول زمان اقتصاد روسیه را به اندازه کافی آسیب پذیر خواهد کرد، که اگر و زمانی اخلاص هایی در آنجا با توجه به قیمت نفت باشند - که بطور اجتناب ناپذیر، زمانی در آینده، اگر نه امسال، مصاحبه کاملر نوشت:

(آنها با مشکلات عظیمی برای مدیریت اقتصاد شان مواجه خواهند شد. - سال بعد، یا سال بعد از آن سپس در) با رئیس جمهور اوپاما ان پی آر آیا من اشتباه می کنم یا اینکه اوپاما در همان دم اقرار کرد که او می خواست «اختلال» در «قیمت نفت» ایجاد کند، از آنجا که او تصور می کرد پوتین با «مشکل عظیم مدیریت آن» روبرو خواهد شد؟ آیا این به همان معنی نیست که عنوان شود که این تماماً طرح واشنگتن بود؛ که سقوط قیمت های نفت فقط شکر یا تخم مرغ روی کیک برای حمله نا متقارن خود به اقتصاد روسیه بود؟ این مطمئناً همان معنی را می دهد. و این نیز به خودی خود روشن می سازد که چرا اوپاما تصمیم گرفت که اجازه دهد تولید کنندگان داخلی، نفت را به قیمت خیلی ارزان به بازار عرضه کنند، اگر چه این عمل میروید تا قیمت های نفت را پائین تر ببرد. ظاهراً هیچ یک از این اتفاقات برای اوپاما مهم نیست تا زمانیکه سیاست او به روسیه لطمه می زند. بنابراین، شاید نظریه (نئوری) تیبانی با عربستان سعودی و ایالات متحده در مورد نفت در هر صورت دور از ذهن نباشد. شاید پاتریک ال اسمیت سالن درست می گفت زمانیکه او گفت: «کمتر از یک هفته پس از امضا شدن پروتوکل مینسک، جان کری یک سفر کوچکی به شهر جدّه در عربستان سعودی کرد تا با ملک عبدالله در منزل تابستانی او ملاقات کند. هنگامی که این خبر به سختی گزارش داده شد، این خبر به عنوان بخشی از کمپین کری به حمایت از دولت عربی (عربستان سعودی) در مبارزه با دولت اسلامی گزارش داده شد. همین جا دست نگه دارید. این همه ی ملاقات نبود که صورت گرفت، به دلیل اینکه منابع قابل اعتماد من چنین می گویند. نیمه دیگر این ملاقات در رابطه با تمایل کاسته شده واشنگتن برای نابود کردن اقتصاد روسیه بوده است. برای این که، کری به سعودی ها گفت (۱) - تولید را بالا ببرید و (۲) - قیمت نفت خام تان را کاهش دهید. این ارقام مربوطه را به خاطر داشته باشید: ▶



برای سعودی ها یک بشکه نفت کمتر از ۳۰ دلار تمام می شود که در این حالت در بودجه ملی بی سود و زیان (یر به یر) می شوند؛ روس ها باید بشکه ای ۱۰۵ دلار بفروشند تا بی سود و زیان شوند. مدت کوتاهی پس از بازدید کری، سعودی ها آغاز به افزایش تولید کردند، حتماً به اندازه کافی - بیش از ۱۰۰ هزار بشکه در روز در طول بقیه ماه سپتامبر، ظاهراً بیشتر هم خواهد شد....

در این مورد تأمل کنید. زمستان در راه است، در حال حاضر قطع تولید جدی و خطرناک در عراق، نیجریه، ونزوئلا، لیبی وجود دارد، دیگر اعضای اوپک برای کمک و رفع نگرانی ضجه می کنند، و عربستان سعودی بطور قطعی و با سرعت هر چه تمام تر بر کاهش قیمت نفت هنوز هم پائین تر فشار وارد می آورند؟ شما خود محاسبات را انجام دهید، با برنامه سفر گزارش نشده کری در ذهن، و برای کمک به شما در این میان، من این اطلاعات را به شما از منابع بسیار خوب و معتبری در بازار کالا ها ارائه می دهم. این منبع در یک ای میلی در چند روز قبل نوشت: «اکنون دستان عظیمی نفت را در ذخیره جهانی به جلو یورش می دهند». (چیزی که واقعاً در بژینگ اتفاق افتاد: پوتین، اوباما، جینگپینگ و دستان پشت پرده ای که رسانه ها به شما نمی گویند»، پاتریک ال اسمیت سالن)

ولادیمیر پوتین:

دشمن شماره یک مردم

بیانید این تعقیب کردن ها را خاتمه دهیم: تمام این شیطنت ها فقط به خطر هدف قرار دادن یک نفر می باشد: ولادیمیر پوتین. دلایل متعددی وجود دارد که چرا واشنگتن می خواهد از شر پوتین خلاص شود، اولین دلیل اینست که رئیس جمهور روسیه مانعی بر سر راه اهداف آمریکا در دسترسی به محور آسیا می باشد. که موضوع اصلی است. تا زمانی که پوتین تصمیم گیرنده و تعیین کننده است، رشد مقاومت علیه فشار سازمان ناتو به سمت شرق وجود خواهد داشت و گسترش نظامی واشنگتن در سراسر آسیای مرکزی که می تواند نقشه آمریکا به منظور محاصره چین را به عنوان تنها ابرقدرت جهانی تضعیف کند. در این جا گزیده ای از صفحه شطرنج بزرگ توسط زبگنیو برژینسکی می آوریم تا اهمیت اوراسیا از نقطه نظر جاه طلبی های واشنگتن را توضیح داده باشیم:

«...اینکه چطور آمریکا مدیریت اوراسیا

را به عهده می گیرد حیاتی است. قدرتی که بر اوراسیا تسلط داشته باشد، دو از سه پیشرفته ترین و از نظر اقتصادی پربارترین مناطق را تحت کنترل خواهد داشت. تنها یک نظر اجمالی به نقشه نشان می دهد که کنترل بر اوراسیا، تقریباً بطور اوتومات مستلزم تبعیت قاره آفریقا می گردد، نیم کره غربی و اقیانوسیه (استرالیا) را از نظر جغرافیای سیاسی جهان به پیرامونی قاره مرکزی جهان تسلیم می دارد. تقریباً ۷۵ درصد مردم جهان در اوراسیا زندگی می کنند، و بیشترین ثروتهای فیزیکی جهان نیز در آنجا نهفته است، یعنی در هر تشکیلات اقتصادی و در زیر زمین اش قرار دارد. اوراسیا حدود سه چهارم از منابع حساب شده جهان را در بر دارد.» (ص ۳۱) (زبگنیو برژینسکی، صفحه شطرنج بزرگ: تقدم ایالات متحده و الزامات جهانی استراتژیک اش، نقل قول های کلیدی از کتاب نطق های زبگنیو برژینسکی).

آیا این گفته ها را دریافت می کنید؟ استراتژی غالب در اوراسیا الویت این دولت می باشد، به همین دلیل است که چرا آمریکا به سرعت در حال حرکت (مانور) امتیاز های نظامی خود در این منطقه می باشد. شما می توانید این اطلاعات را از وب سایت جهان سوسیالیستی** دریافت کنید.

«سیاست اوباما تحت عنوان "محوری به اوراسیا"، استقرار فرماندهی اقیانوس آرام را به بیش از ۶۰ درصد تمام نیروی های نظامی آمریکا (در زمان بوش این نیروی نظامی مستقر در این منطقه ۵۰ درصد بود) رسانده است. این شامل ترتیبات جدید پایگاه نظامی آمریکا در فیلیپین، سنگاپور و استرالیا، و هم چنین تجدید روابط (خاتمه داده شده در گذشته) نظامی با نیوزیلند، و تمرینات مداوم نظامی آمریکا در تایلند، مالزی، اندونزی و تایوان... (و هم چنین) استقرار نیروی نظامی عظیم در ژاپن و کره جنوبی، از جمله واحد های مسلح به سلاح های هسته ای.» (مقیاس جهانی نظامی گری امپریالیسم آمریکا، پاتریک مارتین - وب سایت جهان سوسیالیستی**)

«دگرگونی بزرگ» هم اکنون در جریان است، و به همین دلیل است که چرا موانع باید برداشته شوند و پوتین باید برود. دوم، پوتین برای خود مایه رنجش عمومی با اهداف استراتژیک آمریکا در سوریه، ایران و اوکراین شده است، پوتین حمایت تمام و کمال خود را به اسد که ایالات متحده آمریکا خواهان سرنگونی او به منظور ترسیم نقشه دوباره خاور میانه و ساختن خطوط لوله گاز

از قطر به ترکیه برای دسترسی به بازار پر سود اتحادیه اروپا می باشد، داده است. پوتین تعدادی از ائتلاف ها و اتحاد های را تقویت کرده است - بانک کشورهای بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاریهای شانگهای - که تماماً چالشی است به سلطه آمریکا در منطقه و هم چنین یک جایگزین مناسب برای مؤسسات مالی نئولیبرالی، مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی می باشد. برگردیم یک بار دیگر به «صفحه شطرنج» برژینسکی، ما می بینیم که آمریکا نباید احساس تهدید توسط هیچ کشوری بکند، ولی باید بطور مداوم برای «ائتلاف های منطقه ای» گوش به زنگ باشد که می تواند برنامه هایش را برای حکومت بر جهان از خط خارج کند. در این جا باز هم از برژینسکی ملاحظه کنید: «...سه ضرورت بزرگ از لشکر کشی های امپراتوری به خاطر جلوگیری از تسانی و حفظ وابستگی امنیتی مابین اتباع هستند، که خراج گذاران مطیع و مصون باشند، و از اتحاد بربرها با هم نیز جلوگیری شود.» (ص ۴۰) «از این به بعد، ایالات متحده ممکن است برای تعیین چگونگی مقابله با ائتلاف های منطقه ای که به دنبال بیرون راندن آمریکا از اوراسیا هستند چاره ای بیاندیشد، در نتیجه موقعیت آمریکا را به عنوان یک قدرت جهانی مورد تهدید قرار دهد.» (ص ۵۵) (زبگنیو برژینسکی، صفحه شطرنج بزرگ، داشتن تقدم برای آمریکا و ضرورت استراتژیکی جهانی اش، نقل قول های کلیدی از کتاب نطق های زبگنیو برژینسکی)

به عنوان یک عضو مؤسس و حامی اصلی این سازمان ها، (و آغازگر معاملات عظیم انرژی با چین، هندوستان و ترکیه) پوتین بزرگترین سردرد برای واشنگتن شده است، هدفی منطقی برای تغییر رژیم او شده است. سرانجام، پوتین هرکاری را که باید انجام می دهد تا تسلط کسب و کار با دلار و معاملات مالی را احاطه و محاصره کند. گریز از دلار، به معنی حمله مستقیم به بزرگترین منبع قدرت امپریالیسم آمریکا است، حمله به توانایی در کنترل بالفعل ارز بین المللی که لازم می دارد ذخیره دلار ملت های دیگر برای خریداری انرژی خود، که پس از آن به دارائی مالی، سهام، و گنجینه های ایالات متحده بازایی می شود، استفاده شود. این کلاه برداری بازایی پترودلار (دلار نفتی)، به ایالات متحده اجازه می دهد تا کسری حساب جاری غول پیکری را بدون بالا بردن نرخ بهره و یا کاهش هزینه های



Phone: +49 209 3597479
email: coordinationint@yahoo.co.uk
homepage: www.icor.info
26/01/2015

به یاد ۲۶ ژانویه ۱۹۷۸: خیزش توده
ای کارگران در گذشته در راه انقلاب
دموکراتیک ملی

امروز ما ۳۷ مین سال گرد انتفاضه
(خیزش) افتخارآمیز ۲۶ ژانویه ۱۹۷۸
را جشن می گیریم که مهمترین مبارزه طبقه
کارگر بعد از ۱۹۵۶ بود زمانی که رژیم
عروسی بر مردم ما تحمیل شد. راه پیمائی
خلق ما علیه رژیم ضدملی و تصمیمات
ضدمردمی با تجمع فزاینده مبارزه جویانه
همراه شد که سرکوب گشته و مبارزات ملی
ما از پای درآمده و کارسختی در اهلی سازی
سازمانهای نظیر اتحادیه عمومی کارگران
تونس یا اتحادیه عمومی دانشجویان تونس
و کشاندن رسانه ها به سوی خود در قبول
سیاستهای خیانت کارانه اش نسبت به مردم
و نیروهای مترقی میهن دوست، به اضافه
تحدید کار سیاسی به غیر از قرار گرفتن
در خدمت حزب حاکم و توسعه سرسختانه
حاکمیت ارتجاعی اش تحت قدرت تک حزبی
و تک رهبر فرمایشی شروع شد. رژیم برای
کسب موفقیت در آن، شروع به به کارگیری
آن چه که "تجربه همکاری متقابل" حمایت
شده توسط "بنیادهای غارتگری بزرگ"
نامیده می شد، نمود. این تجربه سریعاً
منجر به شکست اقتصادی و اجتماعی شده
و به فقیرتر شدن بیشتر مردم و خراب کاری
اقتصاد ملی وابسته به انحصارات بین المللی
انجامید. آن گاه رژیم به اصطلاح سیاست
لیبرال "بازگشایی" را به کار بست که راه
را برای غارت امپریالیستی، کمپرادورها
و فئودالیستهای معروف هموار نمود.
فاصله اجتماعی بین ثروتمندان و فقیر شده
گان عریض تر شد. فقر اجتماعی گسترش
یافت و باعث بروز شورشهای اجتماعی
و اعتراضات علیه رژیم عروسی شد که
وضعیت اجتماعی طبقه کارگر و تمامی
دیگر طبقات اجتماعی را خراب کرد به ویژه
در دهه ی ۷۰ زمانی که تعداد زیادی از
قوانین استثماری بیشتر، کارگران و دیگر
اقتشار اجتماعی، وضع گردید و منابع ملی
را از طریق قانون آوریل ۱۹۷۲، قانون اوت
۱۹۷۴ و قانون ژوئیه ۱۹۷۶ تهی ساخت.
این قوانین درها را به روی انحصارات
خارجی باز نمودند به حدی که کارگران
سازمانهای اعتراضی را تجدید کردند و

نظری در مبارزه با حمله سخت امپریالیسم و
طبقات حاکم هندوستان ندارند. آنها به خاطر
کنار گذاشته شدن "دولت رفاه" و سیاست های
کینزی عزا گرفته اند و از آن فراتر را نمی
بینند. آنها مایل نیستند مردم را برای تغییر ی
انقلابی آماده سازند.

ما تلاش مشخصی را در متحد کردن
کمونیستها، نیروهای چپ دموکرات
هندوستان که حاضریه مبارزه با امپریالیسم
و سیاستهای نئولیبرالی هستند انجام می
دهیم. ما می کوشیم تا آلترناتیو جدیدی در
برابر مردم هند قرار دهیم. برای انجام آن ما
تهاجم تئوریک را انجام می دهیم.

ما متوجه شدیم که جنبش کمونیستی تمامی
جهان از دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سرگردان
مانده است. این به طور روشنی به خاطر
تغییر یافتن روش استثمار امپریالیستی از
سیستم استعماری به سیستم نو استعماری
است، کمونیستهای سراسر جهان این سیستم
جدید را خوب درک نکرده اند. آنها آن را
تحلیل نکرده، درک ننموده و آلترناتیو قابل
فهمی را مطرح نکردند. ما مطمئن هستیم
که تنها راه پیشروی به جلو برای جنبش
کمونیستی درسراسرجهان و درهندوستان
تهاجمی تئوریک در رشد دادن ایده نئولژیک
سیاسی در تطابق با شرایط مشخص کنونی
انجام دهند.

ما امیدواریم که کنگره نقش مهمی در چنین
تهاجم تئوریکی بازی کند. با در نظر داشتن
این، علاوه بر خواسته ای معمولی در اسناد
پایه ای ضروری برای تغییر وضع و در
درک ما و گزارش سیاسی تشکیلاتی، این
کنگره مدرک جدیدی در انجام یک تهاجم
تئوریک ارائه خواهد داد.

ما از صمیم قلب امیدواریم که شما بتوانید
درکنگره ما به مثابه سازمان برادر شرکت
کنید و نه تنها به کنگره بیایید بلکه هم چنین
شرکت فعال در بحثها و درمورد گزارش
ارائه شده به کنگره داشته باشید. ما به شما
هرچه زودتر خواهیم نوشت تا شما ترتیبات
لازم را قبلاً انجام دهید. کنگره دهم در لاکنو
پایتخت ایالت UP در آخر فوریه ۲۰۱۵
تشکیل خواهد شد.

به امید دیدار شما درکنگره دهم.

ازطرف حزب سوسیالیست میهن دوست
تونس مقاله ای از طریق ایکورد دریافت کرده
ایم که درخواست انتشار آن را نموده است:

ICOR Office
Buerer Strasse 39
D-45899 Gelsenkirchen
Germany

دولت، اداره کند. سیاستهای ضد دلار
پوتین می تواند نقش دلار آمریکا را به
عنوان ارز ذخیره کاهش دهد و به سیستمی
که غارت را نهادینه کرده است پایان بخشد.
درست به همین دلیل است که چرا پوتین
دشمن درجه یک مردم شناخته شده است.
این به این دلیل است که روسیه محور
آمریکا به اوراسیا را مسدود کرده است،
ائتلافات ضد واشنگتن را تقویت بخشد
است، اهداف سیاست خارجی آمریکا در
خاور میانه را تخریب کرده است، نهادهائی
را ایجاد کرده است که رقیب صندوق بین
الملل پول و بانک جهانی هستند، معاملات
انرژی عظیم با متحدان مهم ایالات متحده
انجام می دهد، عضویت در تنها بازار یک
پارچه اقتصادی اوراسیا را افزایش می دهد،
و حمله به بنیاد های ساختاری که براساس
آن تمام امپراتوری آمریکا استوار است یعنی
دلار. طبیعتاً، قدرتمندان واشنگتن در مورد
این تحولات نگران هستند، تنها به عنوان
مثال، آنها در مورد نظم نوین جهانی که
به تدریج در حال شکل گیری تحت هدایت
پوتین صورت می گیرد، نگران هستند. اما،
تا کنون، آنها قادر به انجام هیچ کاری در
مورد آن نشده اند. طراهان رژیم چنچ دولت
و خیال پردازان آنها بارها و بارها نشان داده
اند که آنها هیچ همتائی برای ولاد (منظور
ولادیمیر) بد که آنها را در هر نوبت مغلوب
و فرسوده کرده است، نیستند.

Oilprice.com*
World Socialist Website**



در جبهه جهانی کمونیستی...
بقیه از صفحه آخر

اقتصادی و مالی دربحران جهانی، قادر
به باقی ماندن آرام و درگامی آشفته برای
"رفرم" نیستند. به علاوه، حکومت UPA
طی دودوره، به ویژه طی دو- سه سال
اخیر خود را از مردم به خاطر بالابردن
بی سابقه بهای برنج، بی کاری و فساد و
غیره بیگانه ساخته که می بایستی جای گزین
می شد. حکومت مودی "مدل گوجرات" را
برای حکومت کردن خوب پیش کشید برای
جای گزین کردن کنگره به مثابه تامینی
در حرکت یک چنین تغییرات نئولیبرالیستی.
احزاب چپ رویزیونیست در بدترین وضعیت
کنونی شان باقی مانده اند. امروز آنها تنها ۹
نماینده در مجلس دارند. و آنها حتا کمترین

حول پرچم سرخ کمونیسم علمی متحدشویم!



اعتصابات بسیاری توسط اتحادیه عمومی کارگران تونس صورت گرفتند. مبارزات بسیار بخشی، منطقه ای و مرکزی به وقوع پیوستند که توسط شورای ملی این اتحادیه بعد از تردید رهبران اتحادیه در تصمیم گیری برای اعتصاب عمومی ناشی از ستم، استثمار و خواست روزانه توده ای پیگیری شد. ما نکات زیر را در این میان یادآوری می کنیم:

تخریب قدرت خرید طبقات توده ای بالا رفتن قیمت ها به مراتب بیشتر از توافق دولت و اتحادیه عمومی کارگران تونس استثمار شدید کارگران و سرکوب آنها به بهانه ی بهبود تولید و بالا بردن بازدهی کنترل فعالیتهای اتحادیه و محدودسازی آنها قبل از ۲۶ ژانویه ۱۹۷۸ دفع الوقت کردن و مسامحه در به کارگیری قراردادهای و توافقات همه گانی امضا شده توسط اعضای اجتماعی

نپذیرفتن سیاست شکست خورده رژیم و اجتناب از مذاکره با کارگران و افراد مسئول قرضه گیری

تعقیب اعضای اتحادیه، توقیف آنها، افترازی به مبارزات آنان و اتهام زنی خیانت آنها تحت عنوان همکاری با قدرتهای خارجی برای سرنگونی رژیم و از بین بردن اقتصاد و ثبات اجتماعی این عملیات سرکوبگرانه به ویژه بعد از به دست آوردن شورای اتحادیه (اکتون شورای ملی) شدت یافتند. این مبارزات در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۸ به اوج رسیدند: روز اعتصاب عمومی. این یکی در اتحادیه آنان موفقیت آمیز شد، تسلیم ناپذیر در حفظ مبارزه و مستقل بودن سازمان شان علیرغم سرسختیهای رژیم در جلوگیری از موفقیتشان در برپائی مبارزه جهت رسوا نمودن مبارزات کارگران و به کارگیری میلیس رژیم حاکم. لذا رژیم مجبور به کمک خواهی از نیروهای نظامی شد تا بتواند خیزش توده ای کارگران را با استفاده از گلوله سرکوب نماید. در آن روز تعدادی جان باخته و زخمی شدند. صدها نفر از مبارزان، افراد قانونی و ناسیونالیست ها به زندان انداخته شدند. بسیاری از آنها شکنجه تاحد مرگ شدند. به مرکز فرماندهی اتحادیه حمله برده شد و طرفداران رژیم به ریاست منصوب شدند. "خلق" روزنامه اتحادیه دچار تضییقات شد و دیگر عملیات محدودکننده در مورد کارگران و سازمان شان نظیر صندوق کارگران به مثابه یک محل (بخش) مهم توده ای، عربی و شناخته شده بین المللی به کارگرفته شد. خیزش

کارگران رژیم و ماهیت غیرتوده ای آن را افشانمود. اعتصاب عمومی تبدیل به جنبش اعتراضی توده ای در حمایت از زحمت کشان تمام طبقات و پایه های خلقی شد. شعار آنها تاحد خواست سرنگونی رژیم تغییر می کرد. درگیری بین تظاهرکننده گان و نیروهای سرکوبگر رژیم شدت گرفت و به خون ریختن بسیاری از جان باخته گان در میان صف مردم سربلند مان منجر شد. این شورش دلیلهای علیه سیاست سرکوب و اجبار طبقاتی رژیم ارتجاعی تحت رهبری بورقیا بود.

صدها نفر زخمی و زندانی تاریخ خلق سربلند و اتحادیه عمومی کارگران تونس با اندیشه ی فداکاری افتخارآمیزشان در کشتارگاه قربانیان، علیرغم رهبران توطئه چین، اپورتونیستهای خیانت کار و بوروکراسی راساختند.

بازنگری این دوره مبارزه در تاریخ طبقه کارگر و مردم نیاز به بازنگری مجدد خاطره ملی و کشتار ناشی از مبارزات توده ای که سرسختی رژیم و دنباله روان باتجربه اش - کسانی که اکنون ما می بینیم به صورت جعلی افتخار تسلیم کشور و مرتکبین جرم به مردم حقایق را وارونه کرده، تاریخ و دوران خون قربانیان توده ای در شورش - شکست خورده در سرکوب را انکار می کنند.

بقای این رژیم از آن زمان تا به حال در حکومت های پشت سرهم یا مدرنیست یا به کارگیران مذهب دولتها - مثل آنها و نیدا تونس - ابدی سازی سیاست و انتخابهای مشابهی است برای طبقات کارگر و توده ها: فقر بیشتر و سرکوب، تخریب بیشتر منابع ملی و اعتباردهی بیشتر به امپریالیسم. روندهای گرفته شده تایید تحمیل انتخابهای غیرملی و غیرتوده ای با شروع از خراب کردن ظرفیت خرید کارگران و دیگر طبقات، حذف صندوق حمایتی در نفی جان باخته گان و زخمی شده گان خیزش.

اعتراضات و اعتصابات در بخشهای مختلف نشان دهنده ی در حال فرار رسیدن شورش توده ای می باشند. بگذار ملی گرایان روشنگری کنند تا راه رهایی مردم توسط آنها متوقف شود.

در مبارزه شان و رهبری موثر شان در جاده انقلابی که خیزش توده ای آماده کرده است رشد کند و تداوم یابد، از جمله در ۱۷ دسامبر/ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱.

جانبازیهای ۲۶ ژانویه بیهوده نخواهند ماند

و ما خونهای ریخته شده قربانیان در خیزش ها و مبارزات توده ای را فراموش نخواهیم کرد که به ما می آموزند معنای جان باختن را و وفاداری به کشور، آزادی و شان ملی و انقلاب را که دشمنان مردم و کل بشریت را بیرون می ریزد.

حزب سوسیالیست میهن دوست انقلابی (الواتاد)



ایستادگی دلاورانه... بقیه از صفحه آخر

با گزارشات نویسندگان نشریات گاردین، لوموند دیپلماتیک، اشپیکل آنالین، مادر جونز و... نشان می دهد که برنامه جنگ علیه تروریسم نیز مثل جنگ علیه فقر و جنگ علیه مواد مخدر "افسانه ای" بیش نیست. توضیح اینکه "جنگ علیه فقر" که توسط دولت آمریکا در سال ۱۹۶۵ برپا گردید نه تنها نتوانست درصد فقر را در آمریکا کاهش دهد (تعداد فقرا که در آمریکا در آن سال دو میلیون نفر بود امروز به ۴۵ میلیون نفر افزایش یافته است)، بلکه در صد فقر در سطح جهان به برکت بازار آزاد نئولیبرالی و قوانین حاکم بر آن که آمریکا مدیریت آن را به عهده دارد، بطور سرسام آوری سر به کهکشان کشیده است. همچنین غوغای پوچ "جنگ علیه مواد مخدر" نه تنها تعداد معتادان را کاهش نداد بلکه باعث گشت که نزدیک به ۲۰ در صد جوانان در داخل شکم این هیولا (آمریکا) معتاد به مواد مخدر شده و تعداد خودکشی ها در بین آنها سربه فلک کشید. در متن و بطن این توضیح می توان به افسانه بودن و کیفیت پوشالی جنگ علیه تروریسم نیز پی برد. - واقعیت این است که تهاجم نیروهای داعش از سوریه به عراق در ماه ژوئن ۲۰۱۴ نه تنها ربطی به برنامه جنگ علیه تروریسم ندارد بلکه بر عکس بخشی از سیاست دقیق نظامی آمریکا در خاورمیانه است که مورد حمایت همه جانبه شرکا و متحدین قرار گرفته است. در این راستا و در بررسی پدیده داعش که به تمام معنی کلمه یک نیروی فاشیستی است نباید به نقش کلیدی رژیم بنیادگرای ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان در تقویت داعش (بویژه در تهاجم و محاصره شهر کوبانی توسط آن) در ۴ ماه گذشته، کم بها داد. اگر رژیم ترکیه و دیگر موثلفین بطور واقعی



رژیم» در سوریه) نه تنها در ماه های اخیر تشدید یافته بلکه هیولای نوظهور نظام یعنی فاشیسم داعش نیز نخواهد توانست از تبدیل این ناکامی به یک شکست استراتژیکی جلوگیری کند. مقاومت مردم و دولت خودگردان کوبانی در رویارویی با فاشیسم داعش در ۴ ماه گذشته (از ژوئن تا پایان سال ۲۰۱۴) مظهری گویا از سرنوشت این پروسه است.

چرائی و چگونگی مقاومت دلاوران خلق کوبانی

از سال ۲۰۱۱ که جنگ تحمیلی از سوی راس نظام (آمریکا) و شرکایش در جهت سرنگونی دولت بشار اسد آغاز گشت سازمان های سیاسی فعال در داخل کردستان سوریه بعد از توافق با دولت سوریه تصمیم گرفتند که با ایجاد دولت خودگردان و خودمختار روژناوا به مقاومت علیه هجوم نظامی راس نظام و دولت های کمپرادور عربستان سعودی، قطر و کشورهای ناتو (بویژه رژیم بنیاد گرای ترکیه) دست بزنند. تصمیم به مقاومت در کوبانی پایتخت روژناوا، که امروز از سوی نیروهای ضد فاشیسم و تجدد طلب مردم جهان مورد حمایت قرار گرفته است، از اول مورد استقبال خلق کرد قرار گرفت. شایان ذکر است که سرزمین روژناوا که اکثریت مردمانش کرد هستند از قدیم الایام سکونت گاه اقلیت های متعلق به ملیت ها و پیروان ادیان مختلف خاورمیانه (اعراب سوری مسلمان و مسیحی، آسوری ها، سوریانی ها، ایزدی ها، ترکمان ها و ارامنه) بوده است.

- شهرهای بزرگ روژناوای کردستان عبارتند از: کوبانی، افرین، جزیره و آمودا. این شهرها و روستاهای حوالی آنها توسط شوراهائی اداره می گردند که اعضایشان از سوی مردم آن مناطق انتخاب شده اند. این شوراها که اعضایشان متعلق به ملیت های کرد، آسوری، عرب و ارمنی هستند (که سال های سال در سرزمین کردستان سوریه در کنار هم در صلح و صفا زندگی کرده اند). امروز جنگ تحمیلی در سوریه آنها را به متحدین وفادار همدیگر بر علیه یورش داعش، تبدیل کرده است. بررسی مدارک موجود (که بخشی از آنها در آخر این نوشتار در بخش «منابع و مآخذ» آورده شده است) نشان می دهد که مبارزات مردم روژناوا علیه نیروهای تجاوزگر در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ عمدتا از سوی حزب اتحاد دموکراتیک که یکی از احزاب مجرب سوریه محسوب می شود، به پیش برده شده است. در ژوئن ۲۰۱۲

نوشتار بطور اختصار شرح داده شد در سال ۲۰۰۶، سه سال بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام حسین، زرقاوی ترور شد و رهبری القاعده عراق بدست ابراهیم سامره ای افتاد در همان زمان سامره ای بعد از قطع رابطه با رهبری القاعده (ایمن ال مظاهری) سازمان «داعش» (دولت اسلامی عراق و شام = سوریه بزرگ) را بنا ساخت. طبق مدارک موجود در تقویت و رشد داعش سازمان های امنیتی آمریکا (سیا) با حمایت سازمان امنیت انگلستان (ام. آی. ۶)، سازمان امنیت اسرائیل (موساد)، پاکستان (آی. اس. آی) و عربستان سعودی (ریاست ال استخبارات ال عامه) نقش های مهمی در ۶ سال گذشته ایفاء کرده اند.

- در ۴ سال گذشته از بهار ۲۰۱۱ تاکنون ژانویه ۲۰۱۵ بطور مرتب بریگادهای داعش بعد از گذراندن آموزش های بنیادگرایی تکفیری در کشورهای عربستان سعودی، قطر و.... عازم ترکیه گشته و در آنجا بعد از گذراندن تعلیمات نظامی تحت سرپرستی ماموران امنیتی و نظامی کشورهای عضو ناتو در پایگاه نظامی اینجریلیک ترکیه بلافاصله از مرز ترکیه گذشته و به داخل سوریه گسیل شده اند. هدف اصلی داعش در سوریه در طول ۵ سال گذشته جنگ سوریه کماکان سرنگونی بشار اسد (رژیم چنج) در سوریه می باشد: هدفی که در صدر سیاست استراتژیکی آمریکا در خاورمیانه بزرگ قرار دارد. تهاجم نیروهای مسلح داعش از خارج از مرزهای سوریه فقط محدود به کشور ترکیه نمی شود. خیلی از مزدوران متعلق به داعش از سوی مرزهای اردن، لبنان و اسرائیل (از ارتفاعات جولان) نیز بعد از آموزش نظامی به داخل خاک سوریه هجوم می برند.

- رژیم داعش حاکم بر بخش های عراق و سوریه که در ظاهر از سوی دولتمردان کشورهای آمریکا و ترکیه و دیگر کشورهای عضو ناتو آماج حمله های هوائی قرار گرفته است در واقع پدیده ای است در خدمت پیشبرد هدف سیاست جهانی آمریکا در خاورمیانه بزرگ: تضعیف و حتی تجزیه ملت - دولت های خاورمیانه بزرگ از طریق جنگ های مرئی و نامرئی و اشاعه و گسترش بنیادگرایی - مذهبی در جهت اتخاذ هژمونی نفتی در خاورمیانه بزرگ. - ولی اوضاع متلاطم رو به رشد بویژه در خاورمیانه بزرگ نشان می دهد که پروسه ناکامی راس نظام در جنگ سوریه (عدم موفقیت نظام در ایجاد «تغییر

می خواستند داعش را نابود سازند». آنها می توانستند کلیه تار و پود نظامی و دیگر وسایل جنگی داعش را در عرض چند روز به کلی از بین ببرند. برعکس ادعاهای دولتمردان آمریکا و شرکای راس نظام پیشینه روابط «سیا» و دیگر نیروهای امنیتی کشورهای مسلط مرکز با «جهادیت ها» که امروز تعدادی از آنها هسته اصلی «گروه خراسان» حاکم بر داعش را تشکیل می دهند، نزدیک به ۳۵ سال گذشته می رسد.

- در آغاز دهه ۱۹۸۰ بعد از حمله نظامی شوروی به افغانستان در حمایت از «دولت کمونیستی» افغانستان، سیا و دیگر نیروهای امنیتی و جاسوسی نظام جهانی دست به تعلیم و تربیت بنیادگرایان مذهبی تحت نام «جهادیت ها» زدند تا افغانستان را دوباره به اردوی نظام جهانی سرمایه برگردانند. در عرض ده سال (از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲) سیا موفق شد که نزدیک به ۳۵۰۰۰ نفر به اصطلاح جهادیت را از ۴۳ کشور مسلمان نشین در آسیا بویژه خاورمیانه و آفریقا سرباز گیری کرده و آنها را در کمپ های آموزشی پاکستان تعلیم و تربیت اسلامی دهد که برای تغییر رژیم سکولار و بی دین افغانستان به یک رژیم بنیادگرای اسلامی، بجنگند.

- رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا در دهه ۱۹۸۰ در کنفرانس های مطبوعاتی خود از جهادیت ها به عنوان «رزمندگان آزادی» نام برده و اجازه داد که با بودجه مالی سیا اکثر کتاب های آموزشی جهادیت ها در چاپخانه دانشگاه نبراسکا در آمریکا انتشار یابد. اوسامه بن لادن ۲۲ ساله در بحبوحه جنگ داخلی افغانستان در سال ۱۹۸۱ همراه با دیگر جهادیت ها منجمله تعدادی از اعضای «گروه خراسان» فعلی مثل مسلم ترکمانی و ابو القاسم بعد از آموزش در کمپ های سیا در پاکستان روانه افغانستان گشته و در آنجا رهبری بخش هایی از جهادیت ها را بدست گرفتند.

- بعد از سرنگونی دولت سکولار افغانستان و عروج طالبان ها به قله قدرتی، بن لادن و یارانش در افغانستان به ایجاد سازمان «القاعده» دست زدند. بعد از وقوع واقعه مرموز و اسرار آمیز یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (واقعه ای که در تعبیه و تنظیم سیاست «جنگ علیه تروریسم» آمریکا از یک سو و رشد و گسترش القاعده در کشورهای خاورمیانه از سوی دیگر نقش مهمی ایفاء کرد)، شاخه القاعده در عراق تحت رهبری ابومصعب زرقاوی به نام «القاعده عراق» تاسیس یافت. همانطور که در بخش اول این



رهبران این حزب که دارای چشم اندازهای سوسیالیستی هستند اندیشه ایجاد حکومت خود گردان و شبه شورائی را در روژئاوا در بین مردم کردستان سوریه تبلیغ کرده و ترویج نمودند. مردم روژئاوا از این ابتکار استقبال فراوانی کردند و بدین وسیله شوراهای خودمختاری و خودگردانی در شهرهای کوبانی، آفرین، جزیره و سپس در شهر آمودا تاسیس یافتند.

- کوبانی در حال حاضر با اینکه بخاطر انتقال و کوچ اجباری کودکان و مردان و زنان مسن آن شهر توسط رزمندگان دلاور کوبانی به شهرهای دیگر کردستان سوریه، بیشتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت ندارد ولی به جهت مبارزات و مقاومت خلق کوبانی بویژه زنان در مقابل تهاجم فاشیستی داعش، از سوی مردم جهان بطور فراگیر و چشم گیری مورد حمایت قرار گرفته و نقدا از سوی بعضی مورخین تاریخ سیاسی جهان با وقایع بزرگ و تاریخ ساز جهان مثل مقاومت خلق گرنیکا علیه فاشیسم فرانکو در سال های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ و سپس ایستادگی خلق های اتحاد جماهیر شوروی در نبرد استالینگراد علیه فاشیسم هیتلری مورد بررسی قیاسی - تطبیقی، قرار گرفته است. علی که کوبانی را امروز مفسرین ضد نظام جهانی سرمایه، مورخین و توده های مردمی به عنوان مظهر دیگر از ایستادگی انسان معاصر روشنگر و متجدد در مقابله با فاشیسم داعش (نیروهای ضد روشنگر و ضد تجدد) محسوب می دارند متعدد و گوناگون هستند که در این جا به برخی از آن علل به اختصار اشاره می شود:

۱- تهاجم و محاصره شهر کوبانی از سوی داعش مولود پیشبرد بخشی از سیاست راس نظام در خاورمیانه بزرگ است. اکثریت عظیمی از اعضای داعش بطور مستقیم و غیر مستقیم توسط متحدین و شرکای راس نظام (بویژه عربستان سعودی، قطر و ترکیه) بعد از سربازگیری و آموزش های شریعتی و نظامی، مسلح شده اند. در واقع مردم کوبانی می دانند که داعش و سیله و برگه در دست امپریالیست های ناتو و دولت های کمپرادور آنان در منطقه است. دولت خودگردان روژئاوا و مردم کوبانی بر آنند که رهبران داعش با مغز خود نمی اندیشند و نیروها و سازمان های امنیتی سیا، ام. آی. ۶، استخبارات عربستان سعودی بجای آنان اندیشیده و برنامه می ریزند.

۲- مردم روژئاوا و متحدین آنها در سرتاسر جهان بویژه در سوریه به این امر واقف هستند که مقاومت خلق کوبانی و دیگر

شهرها و مناطق روژئاوا در سوریه یک ستون قوی ایستادگی در مخالفت با هدف سیاست جهانی آمریکا در خاورمیانه بزرگ (سرنگونی دولت بشار اسد در جهت اتخاذ هژمونی نفتی در آن منطقه استراتژیکی) می باشد.

۳- سوم اینکه همبستگی خلق های ساکن روژئاوا کردستان سوریه (کردها، اعراب، ارامنه، آسوری ها، ترکمن ها و ایزدی ها) در مقاومت علیه تهاجم فاشیستی داعش به سدی موثر در مقابل تحریکات و توطئه های نظامی دولت ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان از یک سو و تهدیدات نظامی نیروهای اولتراناسیونالیست کرد به رهبری مسعود بارزانی رئیس جمهور کردستان عراق از سوی دیگر است.

۴- مردم روژئاوا در همبستگی با اکثریت مردم سوریه بر آن هستند که اکثریت قریب به اتفاق نیروهای مخالف دولت بشار اسد ضد دموکراتیک و وابسته به راس نظام و شرکا و متحدین آن بوده و به هیچ وجه حاضر به همکاری با آنان نیستند. احزاب کرد و دیگر اقلیت های ملی ساکن کردستان سوریه دولت بنیادگرایی به اصطلاح معتدل اردوغان را دشمن روژئاوا و دیگر ایالت کشور سوریه می دانند.

۵- علت پنجم و مهمتر از همه اینکه کردها و دیگر ملیت های ساکن روژئاوا در عین تاکید و تمرکز بر اصل حق تعیین سرنوشت ملی سرزمین روژئاوا را بخشی از خاک سوریه دانسته و در حین اتخاذ و رشد نوعی حاکمیت شورائی و خودمختاری (که سال هاست از موافقت و حمایت دولت مرکزی در دمشق برخوردار است) به شدت با هدف امپریالیست ها و کشورهای وابسته به آن که خواهان سرنگونی دولت اسد و تجزیه سوریه به مدل یوگسلاوی است، در موضع آشتی ناپذیر قرار دارد.

نتیجه اینکه -

در پرتو جهانی شدن حمایت از دولت خودمختار و مقاومت دلاورانه خلق کوبانی در کردستان سوریه (روژئاوا)، برکلیه چالشگران ضد سرمایه داری است که هرکجا هستند پیام کوبانی ها را به گوش توده های مردم بویژه جوانان برسانند که ادعاهای راس نظام در ایجاد نیروهای موتلفین «برعلیه تروریسم جهانی» و داعش را عملا با ادامه حمایت از خلق کوبانی، رد کنند. زیرا اشتعال جنگ های ساخت آمریکا، حبس، شکنجه، قتل عام و آواره ساختن میلیون ها انسان در خاورمیانه بزرگ تحت عنوان مبارزه «علیه تروریسم جهانی» بویژه در ۱۴ سال گذشته

(از سال ۲۰۰۱ تا کنون ۲۰۱۵) توسط آن کشورهایی به پیش برده شده که امروز اعضای اصلی ائتلاف (آمریکا، کشورهای ناتو بویژه ترکیه و کشورهای عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و اردن) تشکیل می دهند. هیئت های حاکمه این کشورها تحت مدیریت و رهبری راس نظام به این «اجماع واشنگتن» رسیده اند که با گسترش امپراتوری آشوب و تجزیه کشورهایی مثل عراق، سوریه و ... به مدل یوگسلاوی سابق به هدف استراتژیکی نظام جهانی سرمایه (یعنی استقرار هژمونی نفتی بوسیله راس نظام در منطقه خاورمیانه) خواهند رسید.

- خوشبختانه در پرتو اوضاع رو به رشد مثبت بویژه در مناطق توفانی جهان که مقاومت دلاورانه خلق کوبانی یکی از درخشان ترین طلعه های امیدبخش آن است، می توان حدس زد که ناکامی راس نظام و موتلفین اش در پیشبرد سیاست جهانی خود نه تنها ادامه پیدا خواهد کرد بلکه تشدید آن قدر قدرتی راس نظام را در اکناف جهان فرسوده تر، بی اعتبارتر و ضعیف تر خواهد ساخت.

ن. ناظمی، بهمن ۱۳۹۳

منابع و مآخذ

- ۱- تونی کارتالوچی، «قصد آمریکا هرگز شکست داعش نیست»، در سایت گلوبال ریسرچ، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۴.
- ۲- مهدی داریوش ناظم اوا، «جنگ در کردستان غربی در شمال سوریه: نقش آمریکا و ترکیه در نبرد کوبانی»، در سایت گلوبال ریسرچ، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴.
- ۳- گفتگو با احمد بخرد طبع فعال کارگری درباره کوبانی، در سایت «گزارشگران»، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۴.
- ۴- اظهارات جوبایدن (معاون رئیس جمهور آمریکا) در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه هاروارد درباره نقش متحدان آمریکا در گسترش داعش، دوم نوامبر ۲۰۱۴.
- ۵- انتشارات نهاد آمریکائی برای پیشرفت علم، «درباره تاراج منابع باستانی سوریه توسط بنیادگرایان بویژه داعش در سوریه» در دسامبر ۲۰۱۴.
- ۶- «تخریب و تاراج صدها اماکن باستانی» به گزارش روزنامه «واشنگتن پست»، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴.
- ۷- لطف الله میثمی، «ریشه یابی داعش»، در «چشم انداز ایران»، آبان و آذر ۱۳۹۳.





استعمارنو بدتر از ...

بقیه از صفحه آخر

[همان طور که در تحریم عراق در زمان دولت صدام حسین از کشته شدن نیم میلیون کودک به خاطر کمبود مواد دارویی و غذایی امپریالیسم آمریکا خم به ابرو نیامد امروز نیز مراרתهانی که تحریم اقتصادی ایران به ۷۰ میلیون از مردم فقیر و تنگ دست ایران به وجود آورده و سختی های ضدانسانی را فراهم ساخته صحبتی نیست. میلیاردی های نشسته در کنگره در دنباله روی از حاکمان صهیونیست اسرائیل هر روز مشغول ریختن طرح جدیدی در تشدید تحریم ایران هستند که فقط شایسته است نام فاشیست های آمریکایی به آنان داده شود! رنجبر]

رژیم مفلوک ایران در تلاش برای حفظ خود می خواهد به مردم ایران چنین وانمود کند که طرح ضد کنگره را دارد تهیه می کند که به قرار زیر است:

تهیه طرحی در مجلس برای واکنش شدید ایران در صورت اعمال تحریم های جدید کنگره آمریکا

رئیس کمیته هسته ای مجلس از تهیه طرحی در مجلس برای بازگرداندن تمامی تعلیق های هسته ای به نقطه پیش از توافق ژنو در صورت اعمال تحریم های جدید علیه ایران خبر داد.

ابراهیم کارخانه ای نماینده مردم همدان و رئیس کمیته هسته ای مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، با اشاره به مذاکرات اخیر ایران با ۱+۵ اظهار داشت: نمایندگان مجلس در حال تهیه طرحی هستند که به موجب آن اعمال هرگونه تحریم های جدید از سوی دولت و کنگره آمریکا با واکنش شدید و متقابل جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد.

وی با بیان اینکه در صورت شکست مذاکرات مسئولیت آن بر عهده آمریکا خواهد بود، تصریح کرد: این طرح در حال نگارش و تدوین است و از هفته بعد که جلسات علنی مجلس آغاز شود، جمع آوری امضا برای آن انجام خواهد شد و در دستور کار قرار می گیرد.

رئیس کمیته هسته ای مجلس در ادامه سخنان خود خاطرنشان کرد: کنگره آمریکا به دنبال فشار بیشتر و اعمال تحریم های جدید علیه ایران است و اخیراً اوپاما اعلام کرده که اگر ایران در مذاکرات به خواسته های ما تن ندهد اولین فردی هستم که در کنگره آمریکا درخواست تحریم های شدید علیه

ملت ایران را می کنم. بدین ترتیب کنگره و رئیس جمهور آمریکا با دو ادبیات مختلف مانند دوله یک قیچی یک هدف واحد را علیه جمهوری اسلامی ایران دنبال می کنند. کارخانه ای ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران عملاً با توقف پیشرفت و تعلیق بسیاری از فعالیت های هسته ای نهایت نرمش و انعطاف را برای پیشرفت مذاکرات از خود نشان داده است ولی متأسفانه کشورهای ۱+۵ و بویژه آمریکا نه تنها به تمام تعهدات خود به طور کامل پایبند نبوده اند بلکه از انعطاف جمهوری اسلامی سوءاستفاده کرده و در طول یکسال گذشته بیش از یکصد تحریم جدید را به بهانه های مختلف علیه ملت ایران تحمیل کردند.

این شیوه اعمال تحریم ها برای جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه قابل تحمل نخواهد بود و متأسفانه دستگاه دیپلماسی و تیم مذاکره کننده در راستای نیل به توافق با انعطاف هرچه تمام تر صرفاً با ابراز تأسف و اعلام تخلف از کنار همه آنها عبور کردند و این در حالی است که پاسخ نقض توافقتنامه باید با اقدام متقابل داده میشد.

وی بر همین اساس تصریح کرد: اگر ایران پس از اعمال تحریم های جدید از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا جمهوری اسلامی غنی سازی ۲۰ درصد را تا لغو تحریم های اعلام شده از سر می گرفت قطعاً هیچگونه تحریم جدیدی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ملت ایران وضع نمی شد و راه نقض توافقتنامه به طور کامل بسته میشد لذا تسامح و تساهل هسته ای در برابر تهدید به تحریم های جدید اشتباه است.

نماینده مردم همدان در مجلس با بیان اینکه اکنون تیم مذاکره کننده هسته ای باید با قدرت و قاطعیت پاسخ زیاده خواهی های آمریکا را بدهد، گفت: آمریکا و هم دستانش از تمام سنگرهای خود در منطقه رانده شده اند و با تهدید به تحریم های جدید به دنبال جبران شکست در برنامه هسته ای ایران هستند بنا براین تیم مذاکره کننده بداند ملت و مجلس ایران از ایستادگی و مقاومت آنها در برابر تهدید به تشدید تحریم و زیاده خواهی دولت آمریکا دفاع خواهد کرد و اجازه هیچگونه عقب نشینی از مواضع ملت ایران را نخواهد داد.

[حاصل این به اصطلاح قاطعیت رئیس کمیته هسته ای مجلس چیزی نیست جز نشان دادن ناتوانی رژیم در برابر زورگوئی های امپریالیست ها و حتا عدم صحبت در برابر این که چنان چه آنها نتوانستند ثابت کنند که دولت ایران مشغول تهیه بمب اتمی است باید صدماتی را که طی سالها مردم ایران

و به ویژه کارگران و زحمت کشان دیده اند پرداخت کنند و این خواست به حق باید درسازمان ملل نیز تکرار شده و تبدیل به یک خواست برحق توده های مردم ایران شود. رنجبر]

طرح 'ملایمتری' برای تحریم ایران در سنای آمریکا پیشنهاد شد

حامیان تحریم ایران در سنای آمریکا برای جلب آرای بیشتر و رد کردن امکان وتو از سوی رئیس جمهوری این کشور، طرح ملایم تری را برای تحریم ایران ارائه کرده اند. باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا روز جمعه به کنگره هشدار داده بود که هرگونه تحریم تازه، تلاش برای مهار برنامه اتمی این کشور را از مسیر صلح آمیز خارج می کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه طرح تازه روز جمعه تنظیم شد اما هنوز به طور رسمی به سنای آمریکا ارائه نشده است. روز پنجشنبه آینده کمیته بانکی سنا، طرح تازه را برای بحث و رای گیری به سنا ارائه خواهد کرد.

این لایحه را مارک کرک جمهوری خواه و رابرت مننزد دموکرات، دو سناتور که از لایحه های پیشین تحریم هم حمایت کرده اند پیشنهاد داده اند.

بر اساس این طرح اگر ایران تا روز اول ژوئیه (دهم تیرماه) بر سر برنامه هسته ای اش با گروه ۵+۱ به توافق نهایی نرسد، تحریم های تازه ای را به تدریج تجربه خواهد کرد.

گروه پنج به علاوه یک شامل ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، چین، روسیه و آلمان است. اول ژوئیه مهلت مورد توافق طرفین برای دستیابی به توافق نهایی است. اساس آن موافقت نامه موسوم به "طرح عمل مشترک" ژنو است که پاییز سال گذشته میان طرف ها به دست آمد و تاکنون دو بار تمدید شده. همزمان سناتور لیندزی گراهام از اعضای برجسته حزب جمهوری خواه گفته است که برای تحریم های تازه علیه ایران فشار خواهد آورد.

البته او روز یکشنبه گفت که اگر آقای اوباما موافقت کند هر معامله ای با ایران را برای تولید به کنگره بفرستد، او دنبال تحریم های تازه نخواهد بود.

با این حال یک مشاور کاخ سفید چنین ایده ای را تعدی به اختیارات ریاست جمهوری توصیف کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس دن فایفر گفت که آقای گراهام "مایل است همه تصمیم





**بجز نوشته هایی که با
امضای تحریریه منتشر
می گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبران ایران
می باشد، دیگر نوشته
های مندرج در نشریه
رنجبر به امضا های فردی
است و مسئولیت آنها با
نویسندگانشان می باشد.**

**به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!**

**سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org**

**سایت آینه روز
www.ayenehrooz.
com**

**سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com**

**سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.
org/01_ranjbaron-
line**

**سایت آرشیو روزنامه رنجبر
http://www.yudu.
com/library/16050/
Ayeneh-Rooz-s-Li-
brary**

تری را برای برخورد با ایران در صورت عدم دستیابی به توافق نهایی طراحی کرده بودند. پیشنهاد تازه این شرایط را غیرالزامی میکند و فضای منعطف تری برای اوباما فراهم میکند.

رئیس جمهوری آمریکا از کنگره این کشور خواسته که «شکیبایی نشان دهد» و تحریم های تازه علیه ایران تصویب نکند. او تهدید کرده که هر مصوبه ای را که در این باره روی میزش بگذارند و تو خواهد کرد. ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ آسمان دیلی نیوز کوهن: ایران تا پایان مذاکرات اتمی ۱۱ میلیارد دلار از درآمد خود را از دست میدهد معاون امور تروریسم و اطلاعات مالی در وزارت خزانه داری آمریکا میگوید بهای پایین نفت باعث خواهد شد که ایران تا پایان مذاکرات اتمی در اول ژوئیه، میلیاردها دلار از درآمدهای خود را از دست بدهد.

به گزارش رادیو فردا، دیوید کوهن در متنی که برای ارائه در نشست روز چهارشنبه، اول بهمن، پرسش و پاسخ کمیته روابط خارجی سنا تهیه کرده، گفته است: «اگر قیمت های نفت در سطح فعلی باقی بماند، ایران در طول مذاکرات اتمی خود با شش قدرت جهانی که به مدت هفت ماه تمدید شده است، ۱۱ میلیارد دلار از دست میدهد.» بهای نفت در بازارهای جهانی از تابستان امسال تاکنون نیمی از ارزش خود را از دست داده و قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت، نفت خام پایه آمریکا، و برنت دریای شمال به زیر ۵۰ دلار سقوط کرده است. قیمت سبد نفتی اوپک نیز بین ۴۰ تا ۴۵ دلار در نوسان است که شامل نفت خام سنگین ایران نیز میشود. به گزارش خبرگزاری رویترز، قرار است آقای کوهن به سنای آمریکا که هم اکنون تحت کنترل جمهوریخواهان است توصیه کند که تحریم های موجود علیه ایران را افزایش ندهد.

۱۳۹۳/۱۱/۱ پیک ایران

[چنین است زورگونی نظام جهانی سرمایه که یک کلمه نسبت به دارنده گان بمب هسته ای مسئله نداشته و از جمله دولت اسرائیل به صورت طلب کار در سطح جهانی علیه ایران عمل کرده و کار به دستان رژیم آمریکا در این مورد ضمن دنباله روی از دولت صهیونیست اسرائیل در مورد آن خفه خون گرفته اند. تنها راه حل در ایران سرنگون کردن رژیم پلید جمهوری اسلامی و ایستادن قاطع در برابر نظام درحال فروپاشی انحصاران فراملی است. رنجبر]



های سیاست خارجی ایالات متحده را بگیرد و فرمانده کل قوا باشد... اما این جزو اختیارات رئیس جمهوری است. 'گیوتین'

پس از آن در سوم اوت (۱۲ مرداد) تحریمهای تازه ای علیه صنعت نفت ایران اعمال خواهد شد و هفتم سپتامبر (۱۶ شهریور) کشورهایی که در حال حاضر از ایران نفت وارد میکنند با محدودیت های تازه مواجه خواهند شد. هفتم اکتبر (۱۵ مهر) تعداد بیشتری از مقامهای ایرانی، هدف تحریم مسافرتی و مالی قرار میگیرند و دوم نوامبر (۱۱ آبان) موسسه های مالی خارجی که درگیر مبادله مالی با بانک مرکزی ایران و سایر بانکهای تحریم شده هستند مشمول تحریمهای تازه خواهند شد. نهایتاً در هفتم دسامبر (۱۶ آذر) اگر همچنان توافقی به دست نیامده باشد صنایع خودروسازی، مهندسی و بخشهای معدنی ایران تحریم خواهند شد. یک کارمند ارشد کنگره در گفتگو با خبرگزاری فرانسه این لایحه را به گیوتینی تشبیه کرده است که به تدریج روی کیف پول ایران فرود میآید.

۱۵ تیرماه آغاز تحریم های تازه علیه ایران ۱۲ مرداد تحریم صنعت نفت ایران ۱۶ شهریور محدودیتهای تازه علیه کشورهای وارد کننده نفت ایران ۱۵ مهر تحریم مسافرتی و مالی مقامهای بیشتری از ایران ۱۱ آبان تحریم موسسه های مالی درگیر مبادله مالی با بانک مرکزی و سایر بانکهای ایرانی ۱۶ آذر تحریم صنایع خودروسازی، مهندسی و بخشهای معدنی ایران

این مقام که خبرگزاری فرانسه از او نام نبرده گفته که «در یک دوره شش ماهه اگر توافق نهایی به دست آمد رئیس جمهوری باید به کنگره خبر بدهد که کدام مرحله از تحریم ها باید حذف شوند و کنگره ظرف سی روز که احتمالاً در سپتامبر یا اوایل اکتبر خواهد بود باید دستور حذف این تحریمها را صادر کند.»

به گفته او «اگر طرفین مذاکره به توافق جامعی دست پیدا نکردند اما آقای اوباما مطمئن شود ایران به توافق موقتی اش احترام میگذارد و فعالیتهای ممنوع هسته ای اش را از سر نمیگیرد، میتواند هر سی روز یکبار با اختیاراتی که دارد این مسئله را یک موضوع امنیت ملی بداند و تحریم های تازه را متوقف کند و مانع از اجرایی شدن آن شود.» دو قانون گذار آمریکایی در دسامبر ۲۰۱۳ مقررات و ضوابط سخت



درجنبش جهانی کمونیستی

و حملات ترس آور به مسلمانان، دالیتها و زنان درحال رشدند. دولت تاکنون تولید نظامی ۱۰۰٪ FDI و در راه آهن و دیگر طرحهای زیربنائی را اعلام داشته است. درچنین وضعی، روشن است که کنگره، حزب مورد پسند قدیمی طبقات حاکم جوابی ندارد. او بیش از هرچیز از سیاست اقتصادی مشابهی در خصوصی سازی، لیبرالی کردن لایبالی گرانه همراه بوده و تنها قادر به به کارگیری مرددانه و آرام آن بوده است. امپریالیستها و همکاران پائین رتبه ترطبقه حاکم هندوستان، درجریان کنونی وضعیت

اش را اعلام می کند که درآخر فوریه ۲۰۱۵ درهندوستان برگزاری می گردد. باتوجه به وضعیت سیاسی وخیم درهندوستان، این کنگره اهمیت ویژه ای دارد. همان طوری که شما آگاه هستید، اخیرا حکومت مافوق راست NDA به رهبری BJP و ناراندرا مودی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. تاکنون دوگرایش، رشدفعالیتها فاشیستی گروهی و به کارگیری سریع سیاستهای نئولیبرالی گلوبالیزاسیون، لیبرالی کردن و خصوصی سازی را می توان مشاهده کرد. رشد حوادث غیر عمدی

Communist Party of India (Marxist-Leninist)

Central Office: C - 141, Sainik Nagar, New Delhi - 110059

Phone: 011-25332343

Email: info@cpiml.in

Website: www.cpiml.in

رفقای عزیز،

حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) با خوشحالی بزرگی دهمین کنگره

ایستادگی دلاورانه خلق کوبانی در مقابله با تهاجم فاشیستی داعش (بخش دوم و پایان)

ائتلاف جهانی علیه داعش که شب و روز توسط رسانه های گروهی جاری فرمانبر در سراسر جهان تحت نام برنامه "ضد تروریسم" واشنگتن پخش و برپا می گردد حرکتی دیگر از سوی اولیگارش حاکم در آمریکا برای توجیه بیشتر گسترش جنگ های ساخت آمریکا در خطه وسیع و استراتژیکی خاورمیانه بزرگ است. بررسی مدارک و گزارشات ادوارد اسنودن و دیگر رسوا کنندگان ضد نظام، همراه

از تشریح ارتباط و همکاری رهبران داعش با نیروهای امنیتی آمریکا، اسرائیل و دیگر شرکای راس نظام، به بررسی چرائی و چگونگی مقاومت مردم کوبانی تحت رهبری دولت خودگردان و شبه شورائی کردستان غربی (کردستان سوریه=روژئاوا)، می پردازیم.

ارتباط داعش با نیروهای امنیتی کشورهای مسلط مرکز-

هیاهوی راس نظام در ارتباط با ایجاد یک

در بخش اول این نوشتار بعد از توضیح اوضاع پر از تلاطم در سراسر جهان همراه با اشاره به علت العلل این اوضاع در چهارچوب سیاست جهانی راس نظام (آمریکا) به بررسی شکلگیری پدیده فاشیستی داعش و مولفه های آن منجمله کیفیت رهبری، منابع مالی و نئولیبرالیسم شاخه های آن در کشورهای جنوب گلوبال در کشورهای آسیا و آفریقا، پرداختیم. - در بخش دوم و پایانی این نوشتار بعد

طرح استعمارنو بدتر از طرح استعمارکهنه!

گسترش تحریم های ایران و تحمیل تحریم های اضافی علیه ایران و برای مقاصد دیگر. در مجلس سنای آمریکا طرح ذیل تقدیم شد؛ که دو بار مورد شور قرار گرفت و به کمیته ارجاع داده شد. یک طرح برای گسترش تحریم های تحمیل شده علیه ایران و برای تحمیل تحریم های اضافی علیه ایران، و برای مقاصد دیگر. باشد که توسط مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در کنگره به تصویب برسد.

سلاح هسته ای» در سنای آمریکا سایت ایران هسته ای: کمیته امور بانکی مجلس سنای آمریکا پنج شنبه آینده (دوم بهمن ۱۳۹۳) ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵ پیش نویس قانون «ایران عاری از سلاح های هسته ای سال ۲۰۱۵» را به رای می گذارد. متن کامل پیش نویس این طرح در سایت سناتور مارک کرک عضو این کمیته قرار داده شده که ترجمه آن در ذیل آمده است: کنگره یکصد و چهاردهم جلسه نخست برای

درزیر به پاره ای از عمل کردهای استعمارنو اشاره می کنیم تا نشان دهیم ماهیت استعمارگرانه و ستم گرانه نظام سرمایه داری با توجه به رشد آگاهی طبقه کارگر درجهان و افتادن این نظام به بحران سخت مالی و اقتصادی برای رهائی اش شدت یافته و ازهیچ جنایتی فروگذار نکره و نخواهد کرد:

متن کامل پیش نویس «قانون ۲۰۱۵ عاری سازی ایران از

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غُرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org